

Obstacles to the Implementation of Shariah Governance Practices in Financial Markets¹

Seyed Ali Hosseini², Fatemeh Babaei³

Received: 2021/11/02

Accepted: 2022/03/11

Research Paper

Abstract

The neglect of many components of morals and sharia rules in conventional models of corporate governance indicates that in Islamic finance industry, the implementation of sharia governance practices in which sharia supervision is centralized, is inevitable. Sharia governance is a kind of Islamic corporate governance which adds additional values to the existing corporate governance system. The purpose of this study is to examine the perceptions of the academicians and financial markets practitioners about the obstacles to the implementation of sharia governance practices in the financial markets. This study is a survey in which data is collected by sending questionnaires and then analyzed using descriptive and inferential statistics. The findings of 171 collected questionnaires in 2020 indicate that the large majority of the respondents have considered the obstacles to the implementation of sharia governance practices in the financial markets to be important. The results also show that the level of education is effective on the views of respondents regarding the obstacles to the implementation of sharia governance practices in the financial markets. However, respondents' work experience, their employment status and academicians rank do not affect their views. The research findings can provide a useful source of information in a Shariah governance framework in the Iranian Islamic finance industry in future.

Key Words: Corporate Governance, Islamic Corporate Governance, Shariah Governance, Shariah Board, Financial Markets.

JEL Classification: G28, M41, N3, O16, Z10

1. DOI: 10.22034/JSE.2021.11480.1626

2. Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (a.hosseini@alzahra.ac.ir).

3. Instructor, Department of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran. (f.babaei@pnu.ac.ir).

موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی^۱

سید علی حسینی^۲، فاطمہ بابائی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰

مقاله پژوهشی

چکیدہ

نایده گرفته شدن بسیاری از مؤلفه‌های اخلاقی و قوانین شرعی در مدل‌های گسترش یافته حاکمیت شرکتی نشان‌دهنده این است که در صنعت مالی اسلامی اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی که نظارت شرعی در کانون آن متمرکز شده است، اجتناب‌ناپذیر است. حاکمیت شرعی نوعی حاکمیت شرکتی اسلامی است که ارزش‌های بیشتری را به سیستم حاکمیت شرکتی موجود اضافه می‌کند. هدف پژوهش حاضر بررسی یافته‌های دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی درباره موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی است. پژوهش حاضر از نوع پیمایشی است که داده‌های آن از طریق ارسال پرسش‌نامه‌ها جمع‌آوری و سپس با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های حاصل از ۱۷۱ پرسش‌نامه دریافت شده در سال ۱۳۹۹ نشان می‌دهد که بیشتر پاسخ‌گویان موانع اجرای سیستم حاکمیت شرعی را در بازارهای مالی کشور با اهمیت قلمداد کرده‌اند. همچنین نتایج نشانگر این است که میزان تحصیلات بر دیدگاه‌های پاسخ‌گویان در خصوص موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی تأثیر دارد، باین وجود سابقه کاری پاسخ‌گویان، وضعیت اشتغال آن‌ها و مرتبه علمی دانشگاهیان بر دیدگاه‌های آن‌ها تأثیر گذار نیست. یافته‌های این پژوهش می‌تواند منبع اطلاعاتی ارزشمندی را برای نگارش چارچوب حاکمیت شرعی در صنعت مالی اسلامی کشور در آینده فراهم کند.

واژه های کلیدی: حاکمیت شرکتی، حاکمیت شرکتی اسلامی، حاکمیت شرعی، کمیته فقهی، بازارهای مالی.

طبقه بندی موضوعی: G28, M41, N3, O16, Z10

10.22034/JSE.2021.11480.1626 ;DOI .)

۲. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). (a.hosseini@alzahra.ac.ir).

۳. مریم، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (f.babaei@pnu.ac.ir)

مقدمه

اسلام دین جامعی است که با تمام جنبه‌های زندگی انسان‌ها ارتباط دارد و شامل یک نظام مبتنی بر ارزش است که اولویت آن به رسمیت شناختن عدالت و انصاف برای همه انسان‌هاست. ویژگی اصلی اقتصاد اسلامی هدف منحصر به فرد آن است که به دنبال تحقق عدالت، صداقت، انصاف و تعادل در جامعه است. در قانون اسلامی (شریعت)^۱ کسب و کار اسلامی باید بر اساس هنجارهای اخلاقی و تعهدات اجتماعی انجام شود و با چارچوب اخلاقی شریعت سازگار باشد. اصول حاکمیت شرکتی (CG)^۲ در قرآن کریم، حدیث و آموزه‌های پیامبر اکرم (ص) بازگو شده است و اهمیت ارزش‌ها، اخلاق و معنویات برای رفاه جامعه به طور گسترده‌ای مورد تأکید قرار گرفته است. اعتقادات مسلمانان نسبت به پاسخ‌گویی به اعمال خود در این دنیا و پس از آن، دارای پیامدهای مهمی در مورد چگونگی اداره شرکت‌ها به ویژه در زمینه خدمات مالی است، بنابراین اصول حاکمیت شرکتی باید با قوانین شرعی، آموزه‌های قرآن کریم و حدیث سازگار باشد. در این راستا هیئت خدمات مالی اسلامی (IFSB)^۳ و سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی (AAOIFI)^۴ رهنمودهایی را برای حاکمیت شرکتی مؤسسات مالی اسلامی (IFIs)^۵ چاپ کرده‌اند (ماگالهاس و ال-سعد، ۲۰۱۳). تدوین چارچوب حاکمیت شرکتی در اسلام برای دستیابی به سیستمی یکپارچه به منظور دستیابی اطمینان از همسانی کلیه فعالیت‌های بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی با اصول شریعت است. دامنه این همانندی تنها محدود به رویه‌ها، فرایندها، حسابرسی، خدمات و محصولات مؤسسات نیست بلکه فرایندهای تصمیم‌گیری هیئت‌مدیره در بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی را نیز در برمی‌گیرد (زین^۶ و همکاران، ۲۰۱۵).

تصمیم‌گیری یکی از عناصر مهم حاکمیت شرکتی است که باید با سازگاری اعضای هیئت‌مدیره و یا با اکثریت رای‌ها انجام شود. مسلمانان بر این باورند که قوانین اسلامی که از طریق قرآن کریم و سنت واجب شده است، بر کلیه ابعاد زندگی آن‌ها حکم فرماست. به همین دلیل است که در شریعت، مفهوم اخلاقی حاکمیت شرکتی از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین، مدیران عالی‌رتبه شرکت که مسئولیت تصمیم‌گیری در امور شریعت را بر عهده دارند،

1. Shariah

2. Corporate governance (CG)

3. Islamic Financial Services Board (IFSB)

4. Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI)

5. Islamic financial institutions (IFIs)

6. Magalhaes & Al-Saad

7. Zain

برای انجام بهتر تعهدات، دامنه مسئولیت خود را از سهامداران به همه ذی‌نفعان گسترش داده‌اند. بر اساس هنجارهای اخلاقی نظام اسلامی انتظار می‌رود که مسلمانان به گونه‌ای تربیت شوند که رفتار آن‌ها ارزش‌های اسلامی مانند: راست‌گویی، انصاف، بردباری و عدالت را در جامعه گسترش دهد، بنابراین روشن است که فرایند تصمیم‌گیری در مؤسسات اسلامی متفاوت از مدل تصمیم‌گیری در حاکمیت شرکتی گسترش یافته است (حفیز^۱، ۲۰۱۳).

با بررسی قرآن کریم و سنت، رهنمودهای مشخصی برای فرایند تصمیم‌گیری آشکار می‌شود که مفاهیم آن با رویکردهای گسترش یافته تصمیم‌گیری، متفاوت است. مفاهیم شورا^۲، حسبه^۳ و فرایند نظارت شرعی و حسابرسی دینی^۴ پایه‌های اصلی سیستم حاکمیت شرکتی اسلامی و قواعد و روش‌های تصمیم‌گیری را تشکیل می‌دهند. تصمیم‌گیری بر مبنای شورا وسیله‌ای برای دستیابی به اطمینان از این است که کلیه فعالیت‌ها و راهبردهای شرکت‌ها به‌طور کامل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند و یک فرایند توافقی - مشورتی در شرکت جریان دارد (حسن و لویز^۵، ۲۰۱۴).

شرکت‌هایی که در زمینه کسب و کار اسلامی فعالیت می‌کنند، اهمیت شورا در فرایند تصمیم‌گیری آن‌ها قابل توجه است (عبد عزیز^۶، ۲۰۱۷). شورا نقش مهمی را در محدود کردن اختیارات و قدرت مدیریت در فرآیند تصمیم‌گیری انجام می‌دهد. درواقع یکی از مهم‌ترین برتری‌های شورا، کاهش میزان خودکامگی در تصمیم‌گیری است (موهیدین^۷ و همکاران، ۲۰۱۶). زمانی که تصمیم‌ها با مشورت گرفته می‌شود، جنبه‌های عدالت، برابری و کرامت انسانی در آن تقویت می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که فرایند شورا عمیق‌ترین مدل سازمانی اسلامی در حاکمیت شرکتی است و اساس و عملکرد کلی حاکمیت اسلامی بر مبنای آن است. نتیجه اصلی مفهوم شورا شفافیت است که به پیشرفت اثربخشی حاکمیت شرکتی منجر می‌شود (سولفی^۸، ۲۰۱۵).

1. Hafeez

2. Shura

3. Hisba

4. The Sharia Supervisory Process and Religious Audit

5. Hassan & Lewis

6. Abd Aziz

7. Mohiuddin

8. Sulphrey

حسبه شامل گروهی از افراد است که مردم را به کار نیک دعوت می‌کنند و آن‌ها را از کارهایی که ناسازگار با اصول شریعت است باز می‌دارند. به عبارت ساده، حسبه شامل فرایند نظارتی است که توسط محاسبان برای اجرای شریعت و ارزش‌های اخلاقی اسلامی در تمام ابعاد رفتار روزمره در جامعه انجام می‌شود (عبد رزاک^۱، ۲۰۱۷). حسبه چارچوب اجتماعی اخلاقی را نشان می‌دهد که مربوط به نظارت بر شرکت، با هدف تشویق رفتار اخلاقی صحیح است. سومین ستون این سیستم، هیئت ناظر شرعی (SSB)^۲ (که از آن به کمیته فقهی و هیئت شرعی نیز یاد می‌شود) است که اطمینان حاصل می‌کند رفتار سازمانی با منشور سازمان، قوانین شرعی و مواضع اخلاقی اسلامی سازگار است و عدالت در معاملات واحد تجاری برقرار می‌شود (حسن و لویز، ۲۰۱۴)، بنابراین مشخص می‌شود که در دیدگاه اسلامی فرایند تصمیم‌گیری در سیستم حاکمیت شرکتی متفاوت از مدل‌های تصمیم‌گیری در حاکمیت شرکتی گسترش یافته است. در این دیدگاه قوانین شرعی باید بر کلیه ابعاد تصمیم‌گیری در مؤسسات مالی اسلامی حکم فرما باشد. پایه و اساس فلسفی حاکمیت شرکتی در اسلام وجود معیارهای اضافی حاکمیتی به‌منظور رعایت قوانین شرعی است که حاکمیت شرعی (SG)^۳ نامیده می‌شود. حاکمیت شرعی برای ایجاد و حفظ اعتماد سهامداران و سایر ذی‌نفعان و اطمینان‌بخشی به آن‌ها نسبت به رعایت جنبه‌های شرعی کسب‌وکار و فعالیت‌ها است (حسن^۴، ۲۰۱۱).

نظارت شرعی یکی از مهم‌ترین اجزای سیستم حاکمیت شرعی است که در مؤسسات مالی اسلامی توسط کمیته فقهی انجام می‌شود. کمیته فقهی در سطح کلان در بانک مرکزی و نهادهای ناظر تشکیل می‌شود و وظیفه آن هماهنگ‌سازی، استانداردسازی فتوا و فعالیت به‌عنوان عالی‌ترین نهاد ناظر بر مؤسسات مالی اسلامی است. در سطح خرد کمیته فقهی می‌تواند به شکل کمیته فقهی سازمانی در مؤسسات مالی اسلامی و یا مؤسسات مشاوره شرعی تشکیل شود که مهم‌ترین وظیفه آن در این سطح، مشارکت در توسعه محصولات و عملیات مؤسسه، صدور فتوا و حسابرسی شرعی و صدور گزارش انطباق شرعی سالانه است (وردهانی و ارشد^۵، ۲۰۱۲).

1. Abd Razak

2. Shariah Supervisory Board (SSB)

3. Shariah Governance (SG)

4. Hassan

5. Wardhany & Arshad

الگوی فعلی نظارت شرعی در ایران در سطحی پایین‌تر از گروه نظارت حداقلی قرار می‌گیرد (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳). در بازار پول نظارت شرعی از طریق شورای فقهی بانک مرکزی و در بازار سرمایه از طریق کمیته تخصصی فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار انجام می‌شود و در سطوح خرد (در سطح مؤسسات) اقدام قابل توجهی در این راستا صورت نمی‌گیرد. بنابراین، یکی چالش‌های پیش‌روی مؤسسات مالی اسلامی کشور در بازارهای مالی (پول، سرمایه و بیمه)، کاستی‌های رویه‌های حاکمیت شرعی است که می‌تواند اعتماد عمومی را نسبت به مشروعیت عملیات، محصولات و خدمات ارائه‌شده توسط این مؤسسات خدشه‌دار کند و پیامدهای مالی و غیرمالی مهمی از جمله ابطال قراردادهای سرمایه‌گذاری، ایجاد سود حرام و کاهش میزان درآمد برای مؤسسات مالی اسلامی را در برداشته باشد.

با در نظر گرفتن تجارب موفقیت‌آمیز کشورهای منطقه در راستای استقرار نظام حاکمیت شرعی در سطح خرد و کلان و اهمیت نقطه‌نظرات دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی در خصوص پیشبرد اهداف صنعت مالی اسلامی، هدف پژوهش حاضر بررسی یافته‌های دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی در خصوص موانع به‌کارگیری رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی است. نوآوری پژوهش حاضر این است که شواهدی در خصوص موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی فراهم می‌کند که تاکنون در پژوهش‌های دانشگاهی کشور موردبررسی قرار نگرفته است.

با توجه به پایین بودن میزان پژوهش‌های انجام‌شده در ارتباط با حاکمیت شرعی در کشور (با وجود نرخ فزاینده چنین پژوهش‌هایی در بسیاری از کشورهای اسلامی) که ازجمله پیامدهای آن ضعف و نقصان تئوری‌ها و مبانی نظری در این حوزه، عدم ارائه چارچوب جامع حاکمیت شرعی در بازارهای مالی و دشوار بودن امکان‌سنجی اجرا و نظارت بر رویه‌های حاکمیت شرعی است، هدف پژوهش حاضر بررسی یافته‌های دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی در خصوص موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی کشور است. اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی کشور دارای دستاوردهای ارزشمندی است که ازجمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تقویت فرایند شورا در حاکمیت شرکتی، حرکت به سمت اقتصاد اسلامی، تحقق ارزش‌ها و سیاست‌های کلی کشور، پیشرفت میزان پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری در برابر ذی‌نفعان در بازارهای مالی، کاهش مسائل مربوط به عدم رعایت قوانین شرعی در بازارهای مالی، طراحی و نظارت بر ابزارهای مالی جدید، کاهش شبهات فقهی ابزارهای مالی،

مدیریت ریسک شرعی، ارتقای سطح مشروعیت فقهی در بازارهای مالی کشور و افزایش میزان ارتباط با بازارهای مالی اسلامی معتبر در جهان اسلام اشاره کرد. بنابراین لازم است سازوکارهای مناسب برای آگاه‌سازی جامعه حرفه‌ای و دانشگاهی از رویه‌های حاکمیت شرعی، دستاوردهای آن و موانع اجرای این رویه‌ها در بازارهای مالی فراهم شود. یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند دلالت‌های مشخصی به‌منظور شناسایی و اولویت‌بندی موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی به همراه داشته باشد و به تدوین چارچوب جامع حاکمیت شرعی و غنی‌تر شدن هر چه بیشتر مباحث حاکمیت شرعی در کشور کمک کند.

ساختار پژوهش حاضر بدین‌صورت است که بعد از مقدمه، مبانی نظری و سپس پیشینه پژوهش بیان می‌شود. در بخش بعدی فرضیه‌ها و روش‌شناسی پژوهش ارائه می‌شود. در قسمت ششم یافته‌های پژوهش بیان می‌شود و بخش پایانی نیز به نتیجه‌گیری، بیان پیشنهادها و محدودیت‌های پژوهش اختصاص داده شده است.

مبانی نظری پژوهش

حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی مفهومی است که به مدیریت موفق شرکت و ایجاد اعتماد میان سرمایه‌گذاران کمک می‌کند و از طریق نظارت و کنترل عملیات شرکت محقق می‌شود (سولفی، ۲۰۱۵). تاکنون تعریف دقیق و مشخصی از حاکمیت شرکتی نشان داده نشده است. چودری^۱ (۱۹۹۲) حاکمیت شرکتی را سیستمی تعریف می‌کند که از طریق آن می‌توان شرکت را هدایت و کنترل کرد. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)^۲ در سال ۲۰۰۴ حاکمیت شرکتی را مجموعه‌ای از روابط بین مدیریت، هیئت‌مدیره، سهامداران و سایر ذی‌نفعان شرکت تعریف می‌کند (مونزا و حسن^۳، ۲۰۱۴). این سازمان اصولی را در ارتباط با حاکمیت شرکتی گردآوری کرده است که عبارت‌اند از: ۱) اطمینان‌بخشی نسبت به مبنای چارچوب حاکمیت شرکتی مؤثر، ۲) توجه به حقوق سهامداران، ۳) رفتار برابر با سهامداران، ۴) نقش ذی‌نفعان در حاکمیت شرکتی، ۵) افشا و شفافیت و ۶) مسئولیت‌پذیری هیئت‌مدیره (سولفی، ۲۰۱۵).

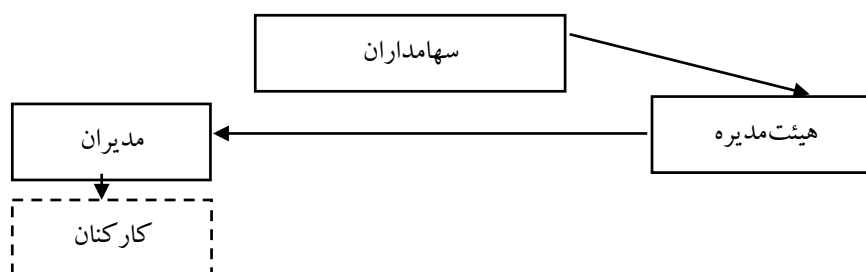
1. Choudhury

2. Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)

3. Muneeza & Hassan

مدل‌های مختلفی برای حاکمیت شرکتی ارائه شده است، این مدل‌ها از یک کشور به کشور دیگر و همچنین از یک منطقه به منطقه دیگر متفاوت است. از جمله مهم‌ترین مدل‌های حاکمیت شرکتی می‌توان به مدل آنگلو ساکسون^۱ و مدل اروپایی یا مدل ذی‌نفعان^۲ اشاره کرد.

مدل آنگلو ساکسون: مدل آنگلو ساکسون که به عنوان مدل مبتنی بر بازار یا مدل مبتنی بر ارزش سهامداران شناخته شده است، تئوری برتر در ایالات متحده آمریکا و انگلستان است (حسن، ۲۰۰۹). در کشورهای آنگلو ساکسون (مانند انگلستان و ایالات متحده آمریکا) سهامداران در نوک ساختار حاکمیت شرکتی قرار دارند. آن‌ها تعیین می‌کنند که هیئت‌مدیره چه کاری را باید و چه کاری را نباید انجام دهد (مونزا و حسن، ۲۰۱۴).



شکل ۱. مدل آنگلو ساکسون

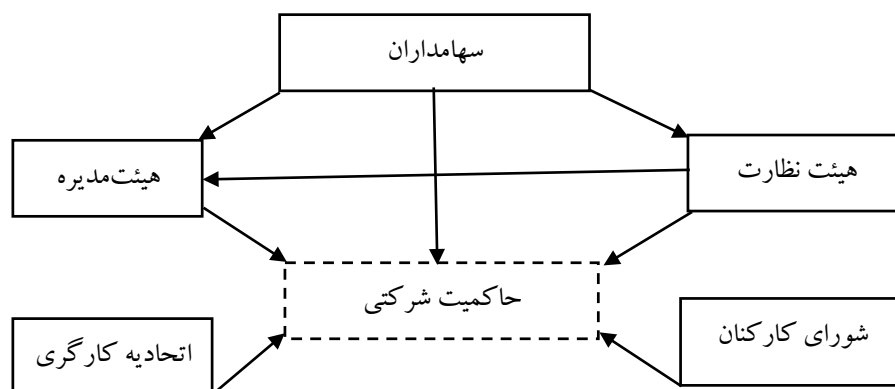
منبع: حسن، ۲۰۰۹

مدل اروپایی یا مدل ذی‌نفعان: مدل دیگر حاکمیت شرکتی مدل اروپایی یا مدل ذی‌نفعان است که در این مدل شرکت‌ها رابطه نزدیک و بلندمدتی با مشتریان برقرار می‌کنند. مدل ذی‌نفعان یک مدل رابطه محور است که بر حداکثرسازی منافع گروه وسیعی از ذی‌نفعان پافشاری می‌کند (حسن، ۲۰۰۹). در کشورهای اروپایی (مانند آلمان و هلند) سهامداران برخلاف کشورهای آنگلو ساکسون قدرت چشمگیری در مدیریت شرکت ندارند و ساختار حاکمیت شرکتی شامل هیئت‌مدیره و هیئت نظارت است که کارکرد هیئت نظارت کنترل فعالیت‌های هیئت‌مدیره و ارائه مشاوره در ارتباط با تصمیم‌های راهبردی به هیئت‌مدیره است. ساختار حاکمیت شرکتی در این مدل از توانایی چشمگیری برخوردار است و شامل هم‌آوردی

1. Anglo-Saxon Model

2. European or Stakeholders Model

طیف وسیعی از مشارکت کنندگان مانند سهامداران، مدیریت، کارکنان، تأمین کنندگان کالا و خدمات، اعتباردهندگان و مشتریان است که برای ماندگاری شرکت تلاش می‌کنند (مونزا و حسن، ۲۰۱۴).



شکل (۲): مدل اروپایی یا مدل ذی‌نفعان، منبع: Hasan, 2009

تفاوت اصلی بین مدل آنگلو ساکسون و مدل اروپایی حاکمیت شرکتی مربوط به مالکیت و کنترل شرکت‌ها است. مدل اول ویژگی حداکثر کردن بازده سهامداران را نشان می‌دهد در حالی که مدل دوم نشان‌دهنده این است که تصمیم‌های با فرض محافظت از منافع کارکنان گرفته می‌شود (حسن، ۲۰۰۹).

حاکمیت شرکتی اسلامی

برخلاف کشورهای غربی که حاکمیت شرکتی بر مبنای منافع سهامداران (مدل آنگلو ساکسون) یا مدل ذی‌نفعان را برتری می‌دهند، در شرکت‌هایی که از قوانین شرعی پیروی می‌کنند، حاکمیت شرکتی ممکن است یک مدل به درستی متفاوت یا اصلاح‌شده مدل سهامداران باشد. به‌طور کلی، هدف اصلی همه واحدهای تجاری، از جمله مؤسسات اسلامی، به حداکثر رساندن ارزش سهامداران است. این بدان معنی است که در عمل، بسیاری از مؤسسات مالی اسلامی از مدل حاکمیت شرکتی آنگلو ساکسون استفاده می‌کنند. طرفداران مدل آنگلو ساکسون همواره برای دفاع از این مدل تلاش می‌کنند و مخالفان به علل مختلف از جمله

مسائل نمایندگی به شدت از آن انتقاد می کنند (گراسا^۱، ۲۰۱۳). با وجود اینکه این مدل ها بر حل مسائل نمایندگی پافشاری می کنند، با این حال، مؤلفه های اخلاقی را نادیده می گیرند که عنصر ضروری برای مدل حاکمیت شرکتی شمرده می شود. وهاب^۲ و همکاران (۲۰۰۸) معتقدند که مدل اسلامی حاکمیت شرکتی بر اساس قوانین شرعی بوده و برخلاف مدل های مرسوم حاکمیت شرکتی، برگرفته از قرآن کریم و سنت است. چپرا و احمد^۳ (۲۰۰۲) حاکمیت شرکتی اسلامی (ICG)^۴ را ابزاری برای رفاه سهامداران، ذی نفعان و مشتریان تعریف می کنند. نتایج بسیاری از پژوهش ها نشان می دهد که کسب و کار اسلامی مبتنی بر ارزش های اخلاقی است که ریشه آن قوانین شرعی است و در آن موضوعاتی شامل: شفافیت، پاسخ گویی و افشا در مدل حاکمیت شرکتی اسلامی مورد تأکید قرار می گیرد.

مؤسسات مالی اسلامی موظف هستند نسبت به افشای مناسب، مسئولیت، پاسخ گویی به خداوند، زکات، رفتار منصفانه، دفترداری و حساب نهایی اطمینان معقولی ایجاد کنند (نورین^۵ و همکاران، ۲۰۱۶). بنابراین مدل حاکمیت شرکتی اسلامی دارای ویژگی های منحصر به فردی است که آن را از مدل های آنگلو ساکسون و مدل های اروپایی جدا می کند. عناصر اصلی مدل حاکمیت شرکتی اسلامی توحید، شورا و شریعت هستند و هدف آن حفظ منافع شخصی بدون نادیده گرفتن رفاه اجتماعی است. پژوهش های اندکی برای جایگزینی مدل های مرسوم حاکمیت شرکتی با مدل های اسلامی حاکمیت شرکتی به ویژه در ارتباط با مؤسسات مالی اسلامی انجام شده است. رویکرد مبتنی بر توحید و شورا و رویکرد مبتنی بر ذی نفعان، دو رویکرد مهم در حاکمیت شرکت اسلامی هستند که توسط چودری و هوک^۶ (۲۰۰۴) نشان داده شده است (گراسا، ۲۰۱۳):

رویکرد توحید و شورا: اگرچه کلیه اقتصاددانان اسلامی و حقوق دانان مسلمان در مورد مفهوم توحید به عنوان یکی از ارکان فلسفی اقتصاد اسلامی اتفاق نظر دارند، اما در مورد روش معرفت شناسی توحیدی در موضوع حاکمیت شرکتی مطالب اندکی وجود دارد (چودری و هوک، ۲۰۰۴). چودری و هوک (۲۰۰۴) روش معرفت شناسی توحیدی را در مدل حاکمیت

1. Grassa

2. Wahab

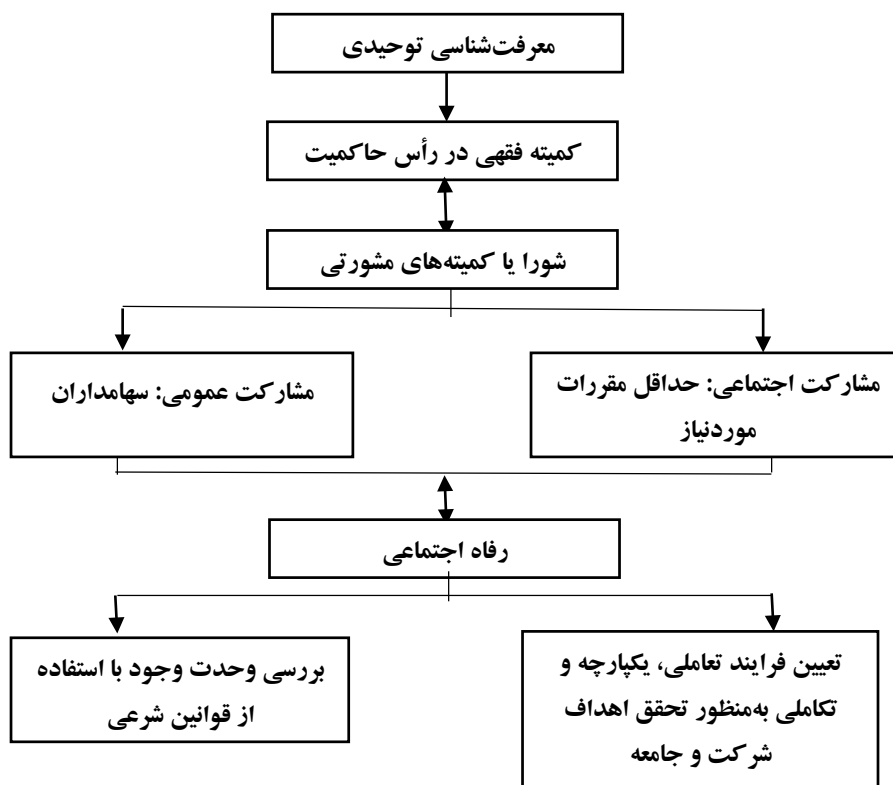
3. Chapra and Ahmed

4. Islamic Corporate Governance (ICG)

5. Noreen

6. Choudhury and Hoque

شرکتی مورد توجه قرار داده‌اند. مفهوم حاکمیت شرکتی از دیدگاه اسلام توسط چودری و هوک (۲۰۰۴) در شکل ۳ خلاصه شده است که عناصر اصلی آن، توحید و شورا هستند.



شکل ۳. مدل توحید و شورا

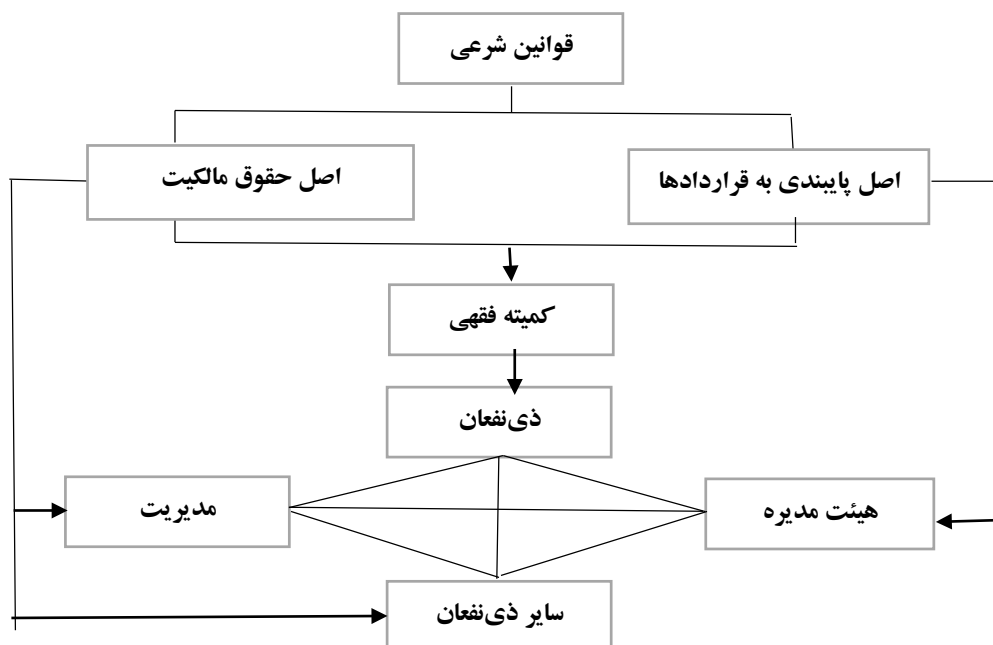
منبع: Hasan, 2009

اصل توحید به مفاهیم جانشینی (خلافت) و اعتماد (امانت) و عدالت (احسان) می‌انجامد. ذی‌نفعان شرکت به‌عنوان جانشینان خداوند در زمین موظف به برقراری عدالت از طریق فرایند شورا هستند. چپرا (۱۹۹۲) پافشاری می‌کند که شورا در همه فرآیندهای تصمیم‌گیری لازم است و مشارکت حداکثری ذی‌نفعان را در امور شرکت فراهم می‌کند. در رویکرد توحید و شورا، کمیته فقهی و کمیته مشورتی (که متشکل از کلیه ذی‌نفعان است) فعالیت می‌کنند. وظیفه کمیته

فقهی حصول اطمینان از انطباق فعالیت‌های شرکت با قوانین شرعی است. سهامداران با در نظر گرفتن منافع همه ذینفعان به جای تمرکز بر حداکثر کردن سود خود، در روند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری شرکت نقش مهمی ایفا می‌کنند. سایر ذینفعان نیز از جمله اعضای جامعه باید نقش‌های خود را برای همکاری متقابل در جهت حمایت از منافع جامعه و تلاش برای تحقق رفاه اجتماعی به‌درستی ایفا کنند. تمام این فرایندها در جهت تحقق هدف نهایی حاکمیت شرکتی اسلامی یعنی تحقق اهداف بخش خصوصی و اجتماعی از طریق برقراری اصل عدالت توزیعی است (حسن، ۲۰۱۱).

رویکرد مبتنی بر ذی‌نفعان: با وجود اینکه رویکرد توحید و شورا، پایه و اساس معرفت‌شناسی را در حاکمیت شرکتی اسلامی فراهم می‌کند، ولی به نظر می‌رسد چگونگی اجرای این رویکرد در سیستم حاکمیت شرکتی کنونی نامشخص و مبهم است (حسن، ۲۰۱۱). به همین علت اغلب مؤسسات مالی اسلامی در عمل، از رویکرد اصلاح‌شده مبتنی بر ذی‌نفعان در حاکمیت شرکتی استفاده می‌کنند (گراسا، ۲۰۱۳). اسلام پیام‌آور عدالت است و باید از منافع همه مسلمانان حفاظت شود، بنابراین در مفهوم حاکمیت شرکتی اسلامی از رویکرد استوار بر ذی‌نفعان به جای رویکرد مبتنی بر سهامداران استفاده می‌شود. رویکرد استوار بر ذی‌نفعان در حاکمیت شرکتی اسلامی بیان می‌کند که اهمیت اصلی حاکمیت شرکتی اسلامی بیان قوانین و مقررات شرعی است. این رویکرد در مؤسسات مالی اسلامی بر مبنای دو اصل اسلامی حقوق مالکیت و اصل پابندی به تعهدات و قراردادها است. اصل حقوق مالکیت در اسلام بر اساس این واقعیت است که مالک واقعی هر دارایی خداوند متعال است و انسان‌ها تنها حق استفاده یا بهره‌مندی از آن را دارا هستند. وظیفه انسان‌ها این است که از این دارایی‌ها برای پیشرفت اسلام تحت آموزه‌های اسلامی استفاده کنند. اصل پابندی به تعهدات و قراردادها نیز بر مبنای این واقعیت است که خداوند متعال به هر انسانی فرموده است که پس از انعقاد قرارداد به آن عمل کند. به همین دلیل افرادی که در فعالیت‌های شرکت مشارکت دارند، باید هر دو اصل را برای تحقق حاکمیت شرکتی اسلامی رعایت کنند. علاوه بر این، رویکرد مبتنی بر ذی‌نفعان بر مبنای چهار اصل حاکمیت شرکتی اسلامی شامل پاسخ‌گویی، شفافیت، انصاف و مسئولیت‌پذیری است (قورش‌ی و قورش‌ی^۱، ۲۰۱۳).

1. Qureshi & Qurashi



شکل ۴. مدل ذی نفعان

منبع: قورش و قورش، ۲۰۱۳

به‌طور کلی استدلال‌ها نشانگر این است که مدل ذی نفعان الگوی مناسبی برای حاکمیت شرعی در سیستم اقتصاد اسلامی است که در آن هدف شرکت‌های اسلامی با هدف حداکثر ساختن سود و وظیفه تحقق عدالت اجتماعی با حمایت از حقوق، منافع و رفاه همه ذی نفعان سازگار است. با گسترش صنعت مالی اسلامی به همراه افزایش فزاینده تعداد مؤسسات مالی اسلامی سازوکارهای سازمانی مشخصی نیز به‌ویژه در قالب حاکمیت شرعی در چارچوب حاکمیت شرعی ایجاد شد (حسن، ۲۰۱۱).

حاکمیت شرعی

حاکمیت شرعی، بخشی از سیستم حاکمیت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی است و شامل رویه‌های حاکمیت شرعی اسلامی است که بایستی برای رعایت اصول شرعی در این مؤسسات به کار گرفته شود (زین و شریفی^۱، ۲۰۱۸). این سیستم شامل ساختارها و فرآیندهایی است که اطمینان می‌دهد اصول و الزامات قانون اسلامی در تمام جنبه‌های قراردادی و عملیات مؤسسه

مالی اسلامی از نگاه ذی‌نفعان مختلف رعایت می‌شود (احمد^۱، ۲۰۱۱). افشای رویه‌های حاکمیت شرعی در گزارش‌های سالانه شرکت برای اطمینان از همسانی شرعی ضروری است. تئوری مشروعیت^۲ بر اهمیت این فرایند تأکید می‌کند و بیان می‌کند که کمبود افشای کافی برای حفظ اعتماد جامعه به خطرات مشروعیت کشیده می‌شود (ازید و النودل^۳، ۲۰۱۹).

مونیزا و حسن (۲۰۱۱) اذعان کردند که تفاوت بین حاکمیت شرعی و حاکمیت شرکتی متعارف به اهداف آن‌ها بستگی دارد. آن‌ها اظهار داشتند که حاکمیت شرعی خداوند را در محور ساختار خود در نظر می‌گیرد و آشکار می‌کند که شرکت باید فعالیت‌های خود را تنها مطابق با احکام خداوند و در مرحله بعد در جهت منافع ذی‌نفعان شرکت انجام دهد (مونیزا و حسن، ۲۰۱۱). بنابراین مدل پاسخ‌گویی در اسلام توحید (یگانگی خداوند) است که ابعاد پاسخ‌گویی گسترده‌تر و متفاوتی را در مقایسه با شیوه همگانی پاسخ‌گویی در مدل‌های غربی در برمی‌گیرد. همگانی‌ترین رویکرد برای تحقق این مسئولیت، ایجاد کمیته فقهی است که مسئول نظارت بر رعایت اصول و آموزه‌های شرعی است (ازید و النودل، ۲۰۱۹). پیرو تعریف سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی کمیته فقهی مجموعه‌ای تشکیل شده از علمای شریعت و متخصصان فقه تجارت اسلامی است که مسئولیت اصلی آن‌ها راهنمایی و نظارت بر فعالیت‌های مؤسسات مالی اسلامی است. هدف از تشکیل کمیته فقهی این است که اطمینان حاصل شود که مؤسسات مالی اسلامی همسو با قوانین و اصول شرعی عمل می‌کنند (کسیم^۴ و همکاران، ۲۰۱۳).

نقش کمیته فقهی بسته به ماهیت، میزان و درجه انطباق شرعی از یک مؤسسه به مؤسسه دیگر متفاوت است، بر این اساس نقش‌های کمیته فقهی را می‌توان در سه بخش مختلف موردبررسی قرارداد که عبارت‌اند از: نقش کمیته فقهی در (۱) مؤسسات بین‌المللی، (۲) بانک مرکزی و کمیسیون اوراق بهادار و (۳) مؤسسات مالی اسلامی. نقش کمیته فقهی در سطح بین‌المللی شامل نقش‌های کمیته فقهی در سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی (AAOIFI)، بانک توسعه اسلامی (IDB)^۵ و شاخص‌های بازار اسلامی داوجونز (DJIM)^۶

1. Ahmed

2. Legitimacy Theory

3. Azid & Alnodel

4. Kasim

5. Islamic Development Bank (IDB)

6. Dow Jones Islamic Market Indexes (DJIM)

است. هدف کمیته فقهی سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی هماهنگ‌سازی مفاهیم و کاربردهای آن‌ها بین اعضای کمیته فقهی به‌منظور جلوگیری از پدیدارشدن تناقض و ناهماهنگی در صدور فتوا است. از وظایف دیگر کمیته فقهی سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی ساخت ابزارهای مورد تأیید شرعی و بررسی شبهات در پیوند با آن‌ها، بررسی استانداردهای منتشرشده سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی و اصول اخلاقی در پیوند با بیانیه‌های منتشرشده برای اطمینان از انطباق آن‌ها با اصول و قانون شریعت است و قوانین یا تصمیمهای این کمیته در مؤسسات مالی اسلامی ضمانت اجرایی ندارد.

کمیته فقهی بانک توسعه اسلامی از راه انتشار بیانیه‌های شرعی نقش مشورتی را بر عهده دارد. صدور استانداردهای حاکمیتی مؤسسات مالی اسلامی با همکاری هیئت خدمات مالی اسلامی از دیگر وظایف این کمیته است. در ارتباط با شاخص‌های بازار سرمایه اسلامی داو جونز، کمیته فقهی مسئولیت ویژه‌ای در زمینه ارائه مشاوره در مورد انطباق شرعی به شرکت‌های واجد شرایط شاخص داو جونز را دارد. کمیته فقهی بانک مرکزی و کمیسیون اوراق بهادار نقش مهمی در هماهنگ‌سازی و استانداردسازی فتوا و فعالیت به‌عنوان بالاترین مقام شرعی در مؤسسات مالی اسلامی را ایفا می‌کند. مسئولیت‌های کمیته فقهی مؤسسات مالی اسلامی نیز شامل مشارکت در توسعه محصولات و فعالیت‌ها، بررسی مسائل شرعی، صدور فتوا، حسابرسی شرعی، صدور گواهینامه سالانه انطباق شرعی، بررسی انطباق شرعی سرمایه‌گذاری مؤسسات مالی اسلامی در سهام، صکوک و سایر فعالیت‌های کسب‌وکار است. با توجه به موارد یادشده، نقش‌های کمیته فقهی را می‌توان در سه حوزه اصلی یعنی صدور فتوا از طریق اجتهاد جمعی، نظارت و حسابرسی طبقه‌بندی کرد (مالکوی^۱، ۲۰۱۳).

کمیته فقهی عامل اساسی برای دستیابی به اطمینان از انطباق محصولات و عملکرد مؤسسات مالی اسلامی با قوانین شرعی در سیستم مالی اسلامی است، باین‌حال در برخی از زمینه‌ها نگرانی‌هایی وجود دارد که نیازمند بهبود، نوآوری و بررسی مجدد است (الوسابی^۲). آموزش و تربیت فقها در محیط پیچیده و پویای دنیای کنونی چالش مرتبط و اساسی حاکمیت شرعی محسوب می‌شود، بنابراین باید صلاحیت فقها به‌درستی تعیین شود (فاروک و فاروق^۳، ۲۰۱۱).

1. Malkawi

2. Alwosabi

3. Farook & Farooq

کمبود فقهایی که به طور هم زمان در قانون شریعت و علم اقتصاد و مالی روز تخصص داشته باشند، مسئله‌ای است که باید مورد توجه قرار گیرد. نبود آگاهی کافی در مورد مسائل اقتصادی و حقوقی روز می تواند توانایی فقها را در ارتباط با صدور آگاهانه احکام در مورد محصولات مالی و فعالیت های سرمایه گذاری کاهش دهد. در برخی موارد نیز کمبود تعداد فقها به استخدام همان فقها توسط بیشتر مؤسسات منجر می شود که ممکن است به مشکلات تضاد منافع کشیده شود. همچنین جزئیات کمتری در ارتباط با دستورالعمل های جلسات کمیته فقهی به ویژه در ارتباط با تأیید محصول و صدور فتوا وجود دارد. باید توجه داشت که فتوا برتری رقابتی شرکت است و باید محرمانه شمرده شود چرا که در صورت افشا، برتری رقابتی و نوآوری شرکت با مخاطره روبرو می شود (الوسابی). یکی دیگر از مسائل، استقلال اعضای کمیته فقهی است. دریافت حق الزحمه از مؤسسه زمینه تضاد منافع اعضای کمیته فقهی را فراهم می کند. اگرچه این ممکن است درست نباشد، چون فرض بر این است که اعضای کمیته فقهی الزامات اخلاقی و ارزش های دینی را رعایت می کنند. باین وجود چون اعتبار مؤسسات مالی اسلامی به استقلال کمیته فقهی بستگی دارد، اطمینان از استقلال آن ها نیازمند تدوین چارچوب مناسبی است. با رشد شگرف صنعت مالی اسلامی انتظار می رود که تعداد فتوای متناقض بین اعضای کمیته های فقهی مختلف افزایش یابد، بنابراین ضروری است که روش تعیین انتصاب کمیته فقهی مورد بررسی قرار گیرد. مسئله دیگر میزان الزام آور بودن تصمیم های کمیته فقهی برای هیئت مدیره است. نتایج یک نظرسنجی انجام شده در مورد درک قوانین شرعی نشان داد که تنها ۵۶/۶ درصد مؤسسات مالی اسلامی آن را الزام آور، ۲۰ درصد به تنهایی در حد مشاوره و ۲۲/۴ درصد نیز پاسخی در این زمینه ارائه ندادند. این نتیجه نشانگر وجود نقاط ضعف و کاستی در چارچوب حاکمیت شرعی (SGF)^۱ است (مالکوی، ۲۰۱۳).

چارچوب حاکمیت شرعی شامل سازوکارهای سازمانی مؤثر است که اطمینان می دهد مؤسسات مالی اسلامی الزامات شرعی را رعایت می کنند. در حال حاضر، هیئت خدمات مالی اسلامی، بانک مرکزی مالزی (BNM)^۲ و سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی، انواعی از چارچوب حاکمیت شرعی را نگارش کرده اند. در چارچوب هیئت خدمات مالی اسلامی و بانک مرکزی مالزی بر مؤلفه های محدودی تأکید می شود که بیشتر مربوط به

1. Islamic Development Bank (IDB)

2. Bank Negara Malaysia (BNM)

اعضای کمیته فقهی است و شامل (۱) صلاحیت اعضای کمیته فقهی از طریق ایجاد معیارهای مطلوب، آموزش حرفه‌ای و ارزیابی مناسب آن‌ها، (۲) استقلال کمیته فقهی به منظور کمک به آن‌ها برای صدور فتوا به صورت هدفمند، (۳) محرمانه بودن اطلاعات و (۴) ثبات رویه است که باید در کلیه فرایندهای حاکمیت شرعی رعایت شود. در مقابل در چارچوب حاکمیت شرعی سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی بر جنبه‌های مختلف حاکمیت شرعی یعنی استقلال کمیته فقهی، حاکمیت و حسابرسی، بررسی شرعی و کمیته فقهی تأکید می‌شود. با وجود اینکه چارچوب حاکمیت شرعی هیئت خدمات مالی اسلامی و بانک مرکزی مالزی مؤلفه‌های یکسانی دارند ولی چارچوب حاکمیت شرعی بانک مرکزی مالزی کاربردی‌تر و تفصیلی‌تر است و کارکردهای حسابرسی شرعی، تحقیق شرعی، بررسی شرعی و مدیریت ریسک شرعی را توسعه می‌دهد. از نظر تئوری چارچوب حاکمیت شرعی بانک مرکزی مالزی و سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی کامل‌تر و قوی‌تر از سایر چارچوب‌های حاکمیت شرعی است.

به طور کلی، بخش مالی اسلامی با مسئله هماهنگ‌سازی استانداردها در سطح جهانی روبرو است. تعدد چارچوب‌های حاکمیت شرعی موجود ممکن است برنامه هماهنگ‌سازی استانداردها در صنعت مالی اسلامی را خدشه‌دار کند. از طرف دیگر، هنوز اقدام اساسی برای دستیابی به چارچوبی جامع در سطح بین‌المللی برداشته نشده است. به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران تفاوت در تفسیرهای شرعی مانعی در مسیر هماهنگ‌سازی استانداردها است، اما در عین حال، تنوع نظرات زمینه نوآوری و انعطاف‌پذیری را نیز در صنعت مالی اسلامی فراهم می‌کند (کانتاکجی^۱ و همکاران، ۲۰۱۸).

پیشینه پژوهش

اقبال و میرآخور^۲ (۲۰۰۴) در پژوهشی طراحی ساختار حاکمیت شرکتی مؤثر و بهینه در نظام اقتصادی اسلامی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. هدف پژوهشگران این بود که نخست عوامل مؤثر بر حاکمیت شرکتی در یک نظام اقتصادی اسلامی را شناسایی کنند و سپس تعیین کنند که آیا مدل حاکمیت شرکتی در اسلام مبتنی بر حقوق سهامداران است و یا ذی‌نفعان.

1. Kantakji

2. Iqbal & Mirakhor

یافته‌های این پژوهش نشانگر این بود که مدل حاکمیت شرکتی در نظام اقتصادی اسلامی یک مدل ذی‌نفع محور است که هدف آن حمایت از حقوق کلیه ذی‌نفعان است. در این پژوهش بیان شد که پایه و اساس مدل ذی‌نفع محور در اسلام حقوق مالکیت، پابندی ضمنی و صریح به قراردادهای و سیستم انگیزشی تاثیرگذار است.

حسن (۲۰۱۱) طی پژوهشی رویه‌های حاکمیت شرعی در مالزی و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (GCC)^۱ (شامل کویت، بحرین، امارات متحده عربی، قطر و عربستان سعودی) را مورد بررسی قرارداد. نتایج پژوهش نشان داد که رویه‌های حاکمیت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی کشورهای مورد بررسی به‌طور بااهمیتی با یکدیگر متفاوت است. همچنین نتایج این پژوهش تأیید کرد که کاستی‌ها و نقاط ضعفی در رویه‌های فعلی حاکمیت شرعی وجود دارد که باید بهبود یابد.

کسیم و همکاران (۲۰۱۳) به مقایسه چارچوب رهنمودهای حاکمیت شرعی سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی، هیئت خدمات مالی اسلامی و بانک مرکزی مالزی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که رهنمودهای حاکمیت شرعی هیچ‌کدام از سه مؤسسه یادشده کامل و جامع نیستند. حاکمیت شرعی در رهنمودهای هیئت خدمات مالی اسلامی تعریف شده است در حالی که سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی و بانک مرکزی مالزی در این مورد سکوت کرده‌اند. از آنجاکه ویژگی‌های کیفی کمیته فقهی مهم است، تمام رهنمودها بر استقلال، صلاحیت، مسئولیت، پاسخ‌گویی و محرمانه بودن اطلاعات جمع‌آوری شده توسط کمیته فقهی پافشاری می‌کنند. علاوه بر این، اهمیت بررسی شرعی و حسابرسی شرعی در تمام رهنمودها تأکید شده است، اگرچه سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی جزئیات بیشتری را در این رابطه مورد بحث قرار داده است.

گیننا^۲ (۲۰۱۴) در پژوهشی رویه‌های حاکمیت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی یازده کشور را مورد بررسی قرارداد. نتایج این پژوهش نشان داد که رویه‌های حاکمیت شرعی مؤسسات مالی اسلامی در این کشورها به‌طور بااهمیتی با یکدیگر متفاوت است. پیشنهاد این پژوهش نگارش چارچوب جامع حاکمیت شرعی برای پیشرفت سطح حاکمیت شرکتی در مؤسسات مالی اسلامی است.

1. Gulf Cooperation Council (GCC)

2. Ginena

زین^۱ و همکاران (۲۰۱۵) ساختار حاکمیت شرعی در نظام بانکداری اسلامی مالزی را با در نظر گرفتن نقش شورا مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که شواهدی از مفید بودن شورا در فرایند حاکمیت شرعی وجود دارد و شورا نقش مهمی در تحقق اهداف حاکمیت شرعی دارد.

عبد رزاک (۲۰۱۷) در پژوهشی ارزشمند بودن چارچوب حاکمیت شرکتی متمرکز (رویکرد متحدالشکل) را برای مؤسسات مالی اسلامی مورد بررسی قرار داد. در این مقاله همچنین دیدگاه‌های اساسی در مورد نقش شورا در حاکمیت شرعی در بانکداری اسلامی و برتریها و معایب رویکرد متمرکز و غیرمتمرکز مورد بحث قرار می‌گیرد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که باوجود رشد چشمگیر صنعت بانکداری اسلامی در سال‌های اخیر هنوز در مورد عدم استانداردسازی و استفاده رویکردهای متنوع برای مدیریت مؤسسات مالی اسلامی نگرانی‌هایی وجود دارد.

عبدالله و رحمان^۲ (۲۰۱۷) ساختار حاکمیت شرعی، مسائل و چالش‌های مرتبط با حاکمیت شرعی را در بانک‌های اسلامی بنگلادش مورد بررسی قرار دادند. داده‌های اولیه این پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با شاغلان حوزه بانکداری اسلامی و فقها جمع‌آوری شد. نتایج این پژوهش نشان داد که سیستم حاکمیت شرعی در بنگلادش بیشتر مبتنی بر ابتکارهای داوطلبانه بانک‌های اسلامی است. کمیته فقهی بانک مرکزی ناگزیر در کلیه بانک‌های اسلامی بنگلادش تشکیل شده است، حسابرسی شرعی در این بانک‌ها انجام می‌شود و مسئولیت نهایی انطباق شرعی نسبت به الزامات بانک مرکزی بر عهده هیئت‌مدیره است. در این کشور کمیته فقهی مرکزی برای نظارت بر بانک‌های اسلامی تشکیل شده است. این کمیته توسط بانک مرکزی این کشور به رسمیت شناخته نشده است و بانک‌های اسلامی ناگزیر به پیروی از دستورالعمل‌های آن نیستند. بااین‌وجود، بانک‌های اسلامی به دلیل ریسک کاهش اعتبار، به‌طور کلی از مصوبات شرعی صادر شده توسط کمیته فقهی مرکزی تخلف نمی‌کنند. در این مقاله پیشنهاد شده است که به‌منظور بهبود سیستم حاکمیت شرعی، دولت بنگلادش باید قانونی را برای عملکرد بانک‌های اسلامی تصویب کند. افزون بر این، بانک مرکزی باید دستورالعمل‌های خود را برای عملیات بانکداری اسلامی بهبود بخشد و کمیته فقهی مرکزی را به رسمیت بشناسد تا بتواند نظارت شرعی را در سطح بانک‌های اسلامی انجام دهد.

1. Zain

2. Abdullah & Rahman

کانتاکجی و همکاران (۲۰۱۸) کفایت سیستم‌های حاکمیت شرعی فعلی را از نظر مقررات و نظارت موردبررسی قراردادند. این پژوهش نشان می‌دهد که در سیستم حاکمیت شرعی اهمیت کمیته فقهی در مقایسه با سایر عوامل بیشتر است و ساختار آن نیازمند ارزیابی بیشتری است. افزون بر آن، یافته‌ها نشانگر این است که عمده‌ترین مسائل سیستم‌های حاکمیت شرعی موجود عدم استانداردسازی و ناهماهنگی، نبود حسابرسی شرعی مناسب، اتکای بیش‌ازحد به نیروی انسانی و عضویت بعضی از فقها در تعداد زیادی از کمیته‌های فقهی است.

عزیز و النودل (۲۰۱۹) عوامل مؤثر بر افشای حاکمیت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی را با تحلیل محتوای گزارش‌های سالانه ۴۶ شرکت موردبررسی قراردادند. نتایج نشان داد که میانگین سطح افشای اختیاری حاکمیت شرعی در مؤسسات مالی سعودی ۱۱/۷ درصد است که کمتر از مقدار مورد انتظار است. افزون بر این، نتایج نشانگر این است که نوع صنعت، ساختار مالکیت و ترکیب هیئت‌مدیره به‌طور چشمگیری بر میزان افشای اختیاری تأثیرگذار است و انتظار می‌رود مؤسسات مالی محلی که در مالکیت نهادهای غیردولتی هستند به‌ویژه در صنعت بانکداری، افشای اختیاری بیشتری داشته باشند.

عالم^۱ و همکاران (۲۰۲۰) دلایل فقدان چارچوب جامع حاکمیت شرعی در بانک‌های اسلامی بنگلادش را موردبررسی قراردادند. داده‌های اولیه این پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با اعضای کمیته فقهی، مدیران دپارتمان‌های فقهی، مدیران بانک مرکزی بنگلادش و کارشناسان امور بانکی جمع‌آوری شد. یافته‌های پژوهش بیانگر این بود که (۱) فقدان صلاحیت گروه‌های مختلف از جمله اعضای کمیته فقهی، مدیران اجرایی بانک مرکزی و بانک‌های اسلامی، (۲) عدم تمایل گروه‌های مختلف از جمله مقررات‌گذاران، سیاست‌گذاران، کارشناسان امور فقهی، مدیران دولتی، بانکداران اسلامی، هیئت‌مدیره و ذی‌نفعان، (۳) محیط فرهنگی اجتماعی و محیط کسب‌وکار، (۴) خط‌مشی دولت و (۵) نبود استاندارد از علل عمده فقدان چارچوب جامع حاکمیت شرعی هستند.

عابدین^۲ و همکاران (۲۰۲۰) یافته‌های اعضای کمیته فقهی در مورد استقلال را در هنگام انجام وظایفشان از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته جمع‌آوری و بررسی کردند. نتایج نشان داد که اعضای کمیته فقهی براین باورند که مواردی از جمله نفوذ نامناسب مدیریت، انتصابات متعدد

1. Alam
2. Abidin

اعضای کمیته فقهی، مدت تصدی و وابستگی مالی به سازمان، استقلال اعضای کمیته فقهی را خدشه‌دار می‌کند. در مقابل صلاحیت و خصوصیات شخصی اعضای کمیته فقهی، نقش رئیس کمیته فقهی و مشارکت هیئت‌مدیره معیارهایی هستند که می‌توانند در بهبود استقلال کمیته فقهی مؤثر واقع شوند.

القصار و احمد^۱ (۲۰۲۱) چارچوبی برای ارزیابی پذیرش قانونی استانداردهای حاکمیت شرعی گردآوری کردند و از آن برای ارزیابی چارچوب قانونی و نظارتی روش‌های حاکمیت شرعی در چهار کشور کویت، مالزی، پاکستان و امارات متحده عربی استفاده کردند. در این چارچوب عناصر اصلی رویه‌های حاکمیت شرعی بر اساس استانداردهای سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی (AAOIFI) و هیئت خدمات مالی اسلامی (IFSB) در دو گروه ارائه شد. نخستین گروه در پیوند با چارچوب قانونی و نظارتی است که عناصر اصلی رویه‌های حاکمیت شرعی را شناسایی می‌کند و شامل (۱) مسئولیت‌های هیئت‌مدیره در ارتباط با موضوعات شرعی، (۲) کمیته‌های هیئت‌مدیره، (۳) حسابرسی شرعی داخلی، (۴) حسابرسی شرعی خارجی، (۵) گزارشگری و شفافیت شرعی، (۶) کمیته فقهی مرکزی و (۷) استانداردسازی قواعد شرعی است. در گروه دوم نیز رهنمودهای نظارتی در پیوند با ایجاد مؤثر کمیته‌های فقهی در سطح مؤسسات نشان داده شده است که شامل (۱) انتصاب کمیته فقهی، (۲) صلاحیت، (۳) استقلال، (۴) محرمانه بودن اطلاعات، (۵) ثبات رویه، (۶) حق‌الزحمه و برکناری، (۷) عضویت در کمیته‌های فقهی چند سازمان مختلف و (۸) ارزیابی اعضای کمیته فقهی است. نتایج پژوهش نشان داد که مالزی قوی‌ترین رویه‌های حاکمیت شرعی و امارات متحده عربی ضعیف‌ترین محیط قانونی و نظارتی در ارتباط با حاکمیت شرعی را دارد. در این پژوهش همچنین نقاط ضعف موجود در رویه‌های حاکمیت شرعی و بخش‌هایی که می‌توان گسترش داد، شناسایی شده است. به‌علاوه در این پژوهش تفاوت در کیفیت رویه‌های حاکمیت شرعی بر اساس قوانین و مقررات مورد استفاده برای تدوین این رویه‌ها در کشورهای مختلف مشخص شد.

موسویان و همکاران (۱۳۹۱) به روش تحلیلی توصیفی به بررسی حاکمیت شرعی در بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی انگلستان و مقایسه آن با ایران پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که تمامی بانک‌های اسلامی فعال در انگلستان به تشکیل شورای فقهی اقدام کرده و این

1. AlQassar & Ahmed

شورا بر انطباق فعالیت‌های بانک با شریعت نظارت می‌کند. اما در ایران به‌طور معمول بانک‌های کشور شورای فقهی نداشته و شورای فقهی فقط در بانک مرکزی تشکیل شده است. الگوی حاکمیت شرعی مورد استفاده در کشور انگلستان به‌منظور اجرایی کردن بانکداری اسلامی در محیطی غیر اسلامی و در شرایطی که هیچ‌یک از قوانین بالادستی نیز بر اساس دستورات اسلامی تنظیم نشده‌اند، دارای ویژگی‌های مشخص و منحصر به فرد فردی است. استخراج این ویژگی‌ها می‌تواند دلالت‌های مشخصی به‌منظور تقویت نظارت شرعی در کشور ایران به همراه داشته باشد که در این پژوهش به برخی از آن‌ها اشاره شده است.

موسویان و میسمی (۱۳۹۲) در پژوهشی با شناسایی انواع الگوهای اجرایی نظارت شرعی در بانک‌های اسلامی سایر کشورها، به ارائه الگوی مطلوب نظارت شرعی بر بانک‌های کشور پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نخست، در سه دهه گذشته قانون عملیات بانکی بدون ربا به‌خوبی اجرایی نشده و نظارت شرعی متناسب با آن، در بانک مرکزی یا دیگر بانک‌ها به شیوه صحیح عملیاتی نشده است، دوم، در بین الگوهای مختلف نظارت شرعی، مورد مطلوب برای نظام بانکی کشور «مدل حداکثری» است و سوم، لازم است در اجرای الگوی نظارت شرعی مطلوب، اقتضائات و ویژگی‌های خاص نظام بانکی کشور باید مورد توجه قرار گیرند.

روحانی و بنی‌طبا (۱۳۹۶) به روش تحلیلی توصیفی با واکاوی وضعیت موجود نظارت شرعی در نظام بانکی ایران و بازگفت ضعف‌های قانونی، نهادی و اجرایی در این حوزه، مهم‌ترین پیامدهای نبود نظارت شرعی را نشان دادند که عبارت بودند از: عدم پابندی بانک‌ها به لوازم عقد و کالت و برخورد مالکانه با اموال و کالتی، محتوا زدایی از عقود مشارکتی و مبادله‌ای و استفاده صوری از آن‌ها، عدم انطباق ضوابط حسابداری بانک‌ها در بخش ارزی و نیز صورت سود و زیان بر بانکداری بدون ربا. سرانجام در این پژوهش با بررسی روند تحولات نهادی در معماری مالی اسلامی بین‌المللی، الگوهای نظارت شرعی در نظام بانکی کشورهای مختلف و استانداردهای بین‌المللی مرتبط با موضوع نظارت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی، پیشنهادهایی در زمینه تثبیت نظارت شرعی بر بانک‌ها و ارتقای جایگاه شورای فقهی بانک مرکزی ارائه شده است.

قنوتی و همکاران (۱۳۹۹) مرتبه حقوقی حاکمیت شریعت و تولید آن در بازار سرمایه را مورد بررسی قرار دادند. یکی از مسائل مهمی که در نظام‌های مبتنی بر شریعت مورد توجه قرار می‌گیرد، مسئله حاکمیت شریعت و ابتنای قوانین و مقررات بر موازین شرعی است. با وجود

اینکه اطلاق و عموم موضوع به‌عنوان یک بنای گسترده در سه حوزه هدایت، نظارت و رقابت قابل توجه است، این مهم گاهی در بازارهای سرمایه مبتنی بر موازین شرعی چندان نظام‌مند نشده و از این حیث ساختارهای موجود با چالش‌هایی روبرو است. مسائل مورد ابتلا از سویی مربوط به ابهامات قانونی است و از سویی به ایرادهای سازمانی بازمی‌گردد. از این رو برای بنانهادن مطلق بازار سرمایه بر اهداف حاکمیت شریعت لازم است در کنار تحقق نظام مطلوب معاملاتی، مرتبه هدایتی و نظارتی متولیان ضوابط شرعی نیز به‌عنوان یک رکن شناخته شوند، بنابراین، آنچه در خصوص ساختار ترسیم‌شده برای بازارهای مبتنی بر موازین شرعی دارای اهمیت است، این واقعیت است که برخلاف هدف انطباق مقررات و فعالیت‌ها بر استانداردهای شرعی، سرپرستی حاکمیت شریعت در بازار سرمایه وابستگی زیادی به نهادهای متعارف بازار دارد که در جای خود مسائلی را در پی خواهد داشت.

با توجه به پایین بودن میزان پژوهش‌های انجام‌شده در ارتباط با حاکمیت شرعی، پژوهش حاضر ضمن تقویت ادبیات موجود، با بهره‌گیری از پژوهش‌های پیشین و نظرات خبرگان مالی اسلامی، موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی کشور را تعیین و سپس با استفاده از روش پیمایشی به جمع‌آوری و ارائه دیدگاه‌های دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی در این خصوص می‌پردازد. اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و شاغلان حرفه در هر رشته علمی از جمله افرادی هستند که ادراکات و نقطه نظرات آن‌ها در بررسی مسائل جامعه در ارتباط با آن رشته علمی بیشتر سودمند است. در این راستا پرسش اصلی پژوهش حاضر به شرح زیر است:

دیدگاه‌های دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی در ارتباط با موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی چگونه است؟

ادراکات افراد نشان‌دهنده تفسیر و تجزیه و تحلیل آن‌ها از محیط پیرامونشان است. بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که درک افراد از محیط پیرامونشان تحت تأثیر ویژگی‌های جمعیتی شناختی آن‌هاست (مانند سابقه کاری، سمت، تحصیلات و ...) (داروس^۱ و همکاران، ۲۰۱۵). به همین دلیل در این پژوهش ما بر آن شدیم دیدگاه‌های دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی درباره موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی کشور را در ارتباط

1. Darus

با این ویژگی‌ها نیز مورد ارزیابی قرار دهیم تا تعیین کنیم آیا دریافت‌های پاسخ‌گویان درباره موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی تحت تأثیر ویژگی‌های جمعیت شناختی آن‌ها است یا خیر؟

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی

موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی از دید دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی دارای اهمیت است.

فرضیه‌های فرعی

فرضیه فرعی اول: بین دیدگاه‌های دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی در خصوص موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم: از نظر میزان تحصیلات بین دیدگاه‌های دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی در خصوص موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی سوم: از نظر سابقه کاری بین دیدگاه‌های دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی در خصوص موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی چهارم: از نظر مرتبه علمی بین دیدگاه‌های دانشگاهیان در خصوص موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی تفاوت معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش پیمایشی است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات در بخش نظری پژوهش از روش‌های کتابخانه‌ای و در بخش میدانی از پرسش‌نامه با طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالف=۱ تا کاملاً موافق=۵) استفاده شده است. پرسش‌های پرسش‌نامه در دو بخش تنظیم شد که بخش اول به پرسش‌های جمعیت شناختی و بخش دوم به پرسش‌های تخصصی در ارتباط با موضوع پژوهش اختصاص یافت.

پرسش‌نامه این پژوهش محقق ساخته است که پرسش‌های آن با الگوگیری از پژوهش‌های پیشین و بهره‌گیری از نظرات خبرگان مالی اسلامی برای نظرخواهی از پاسخ‌گویان، در خصوص موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی تنظیم شد. جامعه آماری پژوهش حاضر اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها (در رشته‌های حسابداری، علوم اقتصادی، بانکداری، مدیریت مالی و فقه و حقوق اسلامی) و شاغلان بازارهای مالی هستند. با توجه به این که اطلاع دقیقی از حجم جامعه وجود ندارد و پیرو آن اطلاعاتی از واریانس جامعه در دسترس نیست، حجم نمونه با استفاده از رابطه ۲ مشخص شد.

برای محاسبه انحراف معیار با توجه به طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت که در این پژوهش استفاده شد، می‌توان بیان کرد چون در این طیف بزرگ‌ترین مقدار عدد ۵ و کوچک‌ترین مقدار عدد ۱ است، بنابراین انحراف معیار برابر با ۰/۶۶۷ است (مؤمنی و فعال قیومی، ۱۳۸۹):

$$\delta \approx \frac{\max(x) - \min(x)}{6} = \frac{5-1}{6} = 0.667 \quad \text{رابطه ۱}$$

$$n = \frac{\left(Z_{\alpha}^2 \times \delta^2 \right)}{\varepsilon^2} = \frac{(1.96^2 \times 0.667^2)}{0.1^2} \cong 171 \quad \text{رابطه ۲}$$

در این رابطه، Z مقدار احتمال نرمال استاندارد (که بر اساس جدول احتمال‌های نرمال استاندارد استخراج می‌شود)، α سطح خطا، δ انحراف معیار و ε دقت موردنظر محقق است. در این پژوهش سطح اطمینان ۹۵ درصد ($Z=1.96$) و دقت ۱۰ درصد در نظر گرفته شد و طبق محاسبات انجام‌شده حجم نمونه آماری ۱۷۱ نفر برآورد شد.

قبل از به‌کارگیری ابزارهای اندازه‌گیری لازم است نسبت به روایی^۱ و معتبر بودن آن‌ها اطمینان حاصل شود. منظور از روایی این است که مقیاس یا محتوای ابزار یا پرسش‌های گفته شده در ابزار موشکافانه متغیرها و موضوع مورد پژوهش را بسنجد، یعنی اینکه هم داده‌های گردآوری‌شده از طریق ابزار مازاد بر نیاز پژوهش نباشد و هم این که بخشی از داده‌های موردنیاز در رابطه با سنجش متغیرها در محتوای ابزار حذف نشده باشد یا به عبارت دیگر عین واقعیت را به‌خوبی نشان دهد (احمدی و صالحی، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر برای اطمینان از روایی پرسش‌نامه از روایی محتوایی^۲ استفاده شد. به این منظور پرسش‌نامه نخست قبل از توزیع در

1. Validity

2. Content Validity

اختیار تعدادی از متخصصان و صاحب‌نظران قرار گرفت و اصلاحات پیشنهادی آن‌ها در پرسش‌نامه اعمال شد. پس از تأیید اعتبار پرسش‌نامه توسط خبرگان دانشگاهی و حرفه‌ای، با توجه به احتمال عدم دریافت همه پرسش‌نامه‌های ارسالی بیش از ۳۰۰ پرسش‌نامه در بهار ۱۳۹۹ از طریق پست الکترونیک و شبکه‌های اجتماعی و به‌صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده برای مشارکت‌کنندگان هدف ارسال و بر اساس پیگیری‌های بعدی به‌عمل آمده، سرانجام ۱۷۱ پرسش‌نامه کامل و قابل قبول دریافت شد.

پایایی^۱ ابزار یکی دیگر از ویژگی‌های فنی ابزار اندازه‌گیری است و از آن به‌دقت و اعتمادپذیری نیز گزارش می‌شود. پایایی عبارت است از این که اگر یک وسیله اندازه‌گیری که برای سنجش متغیر و صفتی ساخته شده در شرایط مشابه در زمان و مکان دیگر مورد استفاده قرار گیرد، نتایج مشابهی از آن حاصل شود. به عبارت دیگر، ابزار پایا ابزاری است که از خاصیت تکرارپذیری و سنجش نتایج یکسان برخوردار باشد (احمدی و صالحی، ۱۳۹۲). در این پژوهش برای سنجش ضریب پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. گفته می‌شود اگر ضریب آلفا بیشتر از ۰/۷ باشد، آزمون از پایایی قابل قبولی برخوردار است (مؤمنی و فعال قیومی، ۱۳۸۹). مقدار ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر برابر ۰/۸۲۱ است و نشان می‌دهد پرسش‌نامه‌ها از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS در دو بخش توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. در بخش توصیفی ویژگی‌های جمعیت شناختی افراد نمونه و شاخص‌های توصیفی مربوط به پاسخ‌ها مورد بررسی قرار گرفت. در بخش تحلیل استنباطی نیز پس از انجام آزمون‌های نرمال بودن داده‌ها، فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

پیش از آزمون فرضیه‌های پژوهش ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخ‌گویان و اطلاعات توصیفی مربوط به پاسخ‌ها مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جداول ۱ و ۲ ارائه شده است.

1. Reliability

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخ‌گویان

تعداد کل پاسخ‌گویان: ۱۷۱ نفر						
جنسیت	طبقه	فراوانی	درصد	طبقه	فراوانی	درصد
زن	مرد	۱۶۸	۹۸/۲	مردی	۴۸	۲۸/۱
	زن	۳	۱/۸	استادیار	۲۹	۱۷
	کمتر از ۳۰ سال	۱۲	۷	دانشیار	۱۰	۵/۸
سن	۳۰-۴۰ سال	۹۰	۵۲/۶	استاد تمام	۶	۳/۵
	۴۰-۵۰ سال	۴۹	۲۸/۷	شاغلان و		
	بیشتر از ۵۰ سال	۲۰	۱۱/۷	کارشناسان بازارهای مالی	۷۸	۴۵/۶
تحصیلات	کارشناسی ارشد	۳۰	۱۷/۵	کمتر از ۵ سال	۱۶	۹/۴
	دانشجوی دکتری	۳۱	۱۸/۱	۱۰-۵ سال	۵۰	۲۹/۲
	دکتری	۱۰۵	۶۱/۴	۱۰-۱۵ سال	۴۰	۲۳/۴
	تحصیلات حوزوی	۵	۲/۹	بیشتر از ۱۵ سال	۶۵	۳۸

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۲. آماره‌های توصیفی و توزیع فراوانی پاسخ‌ها

گزاره	فراوانی پاسخ‌ها						مد	انحراف معیار
	کدام	مختلّم	ظری	موقع	کدام	مختلّم		
	مختلّم	مختلّم	تعارف	موقع	مختلّم	مختلّم	مشاهد شده	مشاهد شده
۱. قتلان قوانین، استانداردها و رهنمودهای مشخص برای اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی	۴	۱۶	۱۴	۵۸	۷۹	۴/۱۲	۵	۱/۰۵۸
۲. قتلان چارچوب واحد و جامع حاکمیت شرعی در سطح بین‌المللی	۳	۲۰	۲۵	۶۹	۵۴	۳/۸۸	۴	۱/۰۲۹
۳. کمبود متخصصان مالی اسلامی جهت استفاده از خدمات آن‌ها در کسب قهی	۷	۲۳	۱۷	۶۴	۶۰	۳/۸۶	۴	۱/۱۶۰
۴. دشوار بودن تعیین وظایف و تعهدات قانونی قتها	۸	۴۵	۲۸	۵۹	۳۱	۳/۳۵	۴	۱/۱۸۶
۵. دشوار بودن تعیین موقعیت یا مرتبه اعضای کسب قهی در مؤسسات مالی اسلامی	۳	۵۲	۲۲	۵۵	۲۹	۳/۲۲	۴	۱/۱۳۱
۶. افزایش هزینه‌های مؤسسات مالی اسلامی در صورت اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در کشور	۲۱	۵۲	۲۴	۴۵	۱۹	۲/۹۴	۲	۱/۲۲۸
۷. طولانی شدن فرایند تصویب محصولات و خدمات جدید در صورت اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در کشور	۱۰	۴۶	۲۰	۷۱	۲۴	۳/۳۶	۴	۱/۱۸۰
۸. عدم همکاری مؤسسات مالی اسلامی جهت اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی	۳	۲۴	۲۶	۶۸	۵۰	۳/۸۱	۴	۱/۰۶۴
۹. پایین بودن میزان تحقیقات انجام شده در زمینه حاکمیت شرعی در سطح کشور در مقایسه با سایر کشورها	۳	۱۷	۲۳	۶۶	۶۲	۳/۸۸	۴	۱/۰۲۹
۱۰. سایر	۷	۶	۱۱۴	۲۹	۱۵	۳/۲۳	۳	۰/۸۱۹
کل	۴۳۳	۵۸۴	۳۳۳	۳۰۱	۶۹	۳/۵۷۹۵	۴	۰/۶۷۴۲۸

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول بالا نشان‌گر آماره‌های توصیفی مربوط به پاسخ‌ها است که نمایی کلی از وضعیت توزیع پاسخ‌ها را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، میانگین همه پرسش‌ها (به جز پرسش ۶) و میانگین کل (۳/۵۷۹۵) از میانگین نظری یعنی مقدار ۳ بیشتر بوده و این دلالت بر این موضوع دارد که پاسخ‌دهندگان در پاسخ به پرسش‌های پرسش‌نامه، گزینه‌های به طور کامل موافق و موافق را بیشتر از گزینه‌های به طور کامل مخالف و مخالف انتخاب کرده‌اند.

یافته‌های استنباطی

آزمون فرضیه اول

در بخش آمار استنباطی به منظور تعیین وضعیت توزیع داده‌ها و تعیین آزمون مناسب برای آزمون فرضیه‌ها، در ابتدا آزمون نرمال بودن داده‌ها انجام شد.

یکی از آزمون‌های سنجش نرمال بودن توزیع داده‌ها آزمون کولموگروف اسمیرنوف^۱ است. با توجه به اینکه آزمون کولموگروف اسمیرنوف به انحراف از توزیع نمونه بسیار حساس است، در نتیجه در نمونه‌های با حجم زیاد، انحراف کوچکی از توزیع نرمال ممکن است موجب شود این آزمون توزیع متغیرها را غیر نرمال نشان دهد. در نتیجه زمانی که حجم نمونه زیاد است (هماره بیش از ۱۰۰)، بهتر است از روش‌های دیگر بررسی نرمال بودن مانند شاخص‌های کجی^۲ و کشیدگی^۳ استفاده شود (کریمی، ۱۳۹۴). بنابراین در فرضیه اصلی پژوهش حاضر که حجم نمونه زیاد است، از آماره‌های کجی (چولگی) و کشیدگی برای آزمون نرمال بودن داده‌ها استفاده شد و در فرضیه‌های فرعی که آزمون نرمال بودن به تفکیک گروه‌ها انجام می‌شود و تعداد نمونه کمتر است، برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد.

در حالت کلی چنانچه آماره‌های کجی و کشیدگی در بازه (۲، -۲) نباشند داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند. از آنجا که ضریب کجی (۰/۳۱۵-) و ضریب کشیدگی (۰/۵۸۷) داده‌ها در بازه (۲، -۲) بود، نرمال بودن داده‌ها در این فرضیه تأیید شد، در نتیجه برای آزمون این فرضیه از آزمون مقایسه میانگین تک نمونه‌ای استفاده شد که از توزیع تی استیودنت^۴ پیروی می‌کند و نتایج آن در جدول ۳ نشان داده شده است. در این آزمون فرض صفر، فرض برابری میانگین نمونه با میانگین نظری (عدد ۳) است.

1. Kolmogorov-Smirnov test

2. Skewness

3. Kurtosis

4. T- Student

جدول ۳. نتیجه آزمون مقایسه میانگین تک نمونه‌ای

تعداد نمونه	میانگین نمونه	انحراف معیار نمونه	مقدار آماره t	درجه آزادی	اختلاف میانگین	سطح معناداری	فاصله اطمینان تفاوت
۱۷۱	۳/۵۷۹۵	۰/۵۷۷۹۷	۱۱/۱۷۸	۱۷۰	۰/۵۷۹۵۳	۰/۰۰۰	۰/۴۷۷۲ - ۰/۶۸۱۹

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به مقادیر جدول بالا مقدار سطح معناداری آزمون (۰/۰۰۰) کمتر از ۰/۰۵ است و فرض صفر در سطح خطای ۵ درصد رد می‌شود، یعنی میانگین مشاهدات به‌طور معناداری مخالف عدد ۳ هست. افزون بر این با توجه به اینکه میانگین نمونه بیشتر از عدد ۳ (میانگین نظری) است می‌توان ادعا کرد که موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی از دید پاسخ‌گویان دارای اهمیت است و در نتیجه فرضیه اول پژوهش پذیرفته می‌شود.

آزمون فرضیه‌های فرعی

برای آزمون فرضیه‌های فرعی در ابتدا نرمال بودن توزیع داده‌ها به تفکیک گروه‌ها مورد آزمون قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون نرمال بودن فرضیه‌های فرعی به تفکیک گروه‌ها

آزمون نرمال بودن گروه‌ها در فرضیه فرعی اول			آزمون نرمال بودن گروه‌ها در فرضیه فرعی سوم		
وضعیت اشتغال	سطح معناداری	کولموگروف اسمیرنوف	نتیجه آزمون	نتیجه آزمون	کولموگروف اسمیرنوف
دانشگاهیان	۰/۰۲	توزیع نرمال نیست	کمتر از ۵ سال	۰/۲	توزیع نرمال است
شاغلان بازارهای مالی	۰/۲	توزیع نرمال است	۵-۱۰ سال	۰/۲	توزیع نرمال است
			۱۰-۱۵ سال	۰/۰۹۹	توزیع نرمال است
			بیشتر از ۱۵ سال	۰/۰۳۳	توزیع نرمال نیست
آزمون نرمال بودن گروه‌ها در فرضیه فرعی دوم			آزمون نرمال بودن گروه‌ها در فرضیه فرعی چهارم		
تحصیلات	سطح معناداری	کولموگروف اسمیرنوف	نتیجه آزمون	نتیجه آزمون	کولموگروف اسمیرنوف
کارشناسی ارشد	۰/۲	توزیع نرمال است	مرتبه علمی	۰/۰۵۱	توزیع نرمال است
دانشجوی دکتری	۰/۰۰۱	توزیع نرمال نیست	استادیار	۰/۲	توزیع نرمال است
دکتری	۰/۱۰۹	توزیع نرمال است	دانشیار	۰/۱۱۸	توزیع نرمال است
تحصیلات حوزوی	۰/۰۳۹	توزیع نرمال نیست	استاد تمام	۰/۲	توزیع نرمال است

منبع: یافته‌های پژوهش

لازم به یادآوری است در ارتباط با هر فرضیه در صورتی که نتایج آزمون کلیه گروه‌ها نرمال باشد از آزمون‌های پارامتریک و در صورت نرمال نبودن توزیع داده‌های حداقل یک گروه در فرضیه موردنظر، از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده خواهد شد.

آزمون فرضیه فرعی اول

با توجه به نرمال نبودن توزیع داده‌ها در هر دو گروه دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی (غیر دانشگاهیان) از آزمون من ویتنی^۱ برای مقایسه میانگین‌های دو گروه استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ ارائه شده است. فرض صفر در این آزمون، فرض برابری میانگین‌های دو جامعه است.

جدول ۵: نتایج آزمون من ویتنی

وضعیت اشتغال	میانگین رتبه‌ها	آماره آزمون من ویتنی	سطح معناداری
دانشگاهیان	۸۷/۴۳	۳۴۹۴/۰۰۰	۰/۶۸۰
شاغلان بازارهای مالی	۸۴/۲۹		

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به سطح معناداری آزمون من ویتنی (۰/۶۸۰) که بیشتر از ۰/۰۵ است فرض صفر تأیید می‌شود و می‌توان گفت که اختلاف معناداری بین نظر دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی در خصوص موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی وجود ندارد، در نتیجه فرضیه فرعی اول پذیرفته نمی‌شود. همچنین نتایج این آزمون نشانگر این است که میانگین رتبه‌ها در گروه دانشگاهیان از گروه شاغلان بازارهای مالی بیشتر است.

آزمون فرضیه فرعی دوم

برای آزمون فرضیه دوم با توجه به نرمال نبودن توزیع داده‌ها در همه گروه‌ها (کارشناسی ارشد، دانشجوی دکتری، دکتری و تحصیلات حوزوی)، از آزمون کروسکال والیس^۲ برای مقایسه میانگین گروه‌ها استفاده شد که نتایج آن در جدول ۶ نشان داده شده است. فرض صفر در این آزمون، فرض برابری میانگین گروه‌ها است.

1. Mann-Whitney test

2. Kruskal Wallis test

جدول ۶. نتایج آزمون کروسکال والیس

تحصیلات	کارشناسی ارشد	دانشجوی دکتری	دکتری	تحصیلات حوزوی
رتبه میانگین	۶۷/۶۷	۱۰۴/۴۲	۸۶/۸۲	۶۴/۵۰
آماره کای دو	۹/۴۰۷	درجه آزادی	۳	سطح معناداری
				۰/۰۲۴

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج آزمون کروسکال والیس که در جدول بالا ارائه شده است، سطح معناداری (۰/۰۲۴) کمتر از ۰/۰۵ است در نتیجه فرض صفر رد می‌شود و فرضیه فرعی دوم پذیرفته می‌شود، یعنی از لحاظ تحصیلات بین دیدگاه‌های پاسخ‌گویان در خصوص موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی تفاوت معناداری وجود دارد و تحصیلات بر دیدگاه‌های پاسخ‌گویان در خصوص موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی تأثیر دارد. همچنین نتایج این آزمون حاکی از این است که میانگین رتبه‌ها در گروه دانشجویان دکتری از سایر گروه‌ها بیشتر است.

آزمون فرضیه فرعی سوم

برای آزمون این فرضیه با توجه به نرمال نبودن داده‌ها در همه گروه‌ها (کمتر از ۵ سال، ۵-۱۰ سال، ۱۰-۱۵ سال و بیشتر از ۱۵ سال) از آزمون کروسکال والیس استفاده شد که نتایج آن در جدول ۷ ارائه شده است. فرض صفر در این آزمون، فرض برابری میانگین گروه‌ها است.

جدول ۷. نتایج آزمون کروسکال والیس

سابقه کاری	کمتر از ۵ سال	۵-۱۰ سال	۱۰-۱۵ سال	بیشتر از ۱۵ سال
رتبه میانگین	۸۴/۴۴	۸۸/۵۳	۸۳/۹۱	۸۵/۷۲
آماره کای دو	۰/۲۲۰	درجه آزادی	۳	سطح معناداری
				۰/۹۷۴

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج آزمون کروسکال والیس سطح معناداری (۰/۹۷۴) بیشتر از ۰/۰۵ است در نتیجه فرض صفر تأیید می‌شود و فرضیه فرعی سوم رد می‌شود، یعنی از لحاظ سابقه کاری بین دیدگاه‌های پاسخ‌گویان در خصوص موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی تفاوت معناداری وجود ندارد و سابقه کاری بر دیدگاه‌های پاسخ‌گویان در خصوص موانع

اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی تأثیر ندارد. همچنین نتایج نشانگر این است که میانگین رتبه‌ها در گروه ۱۰-۵ سال از سایر گروه‌ها بیشتر است.

آزمون فرضیه فرعی چهارم

برای آزمون فرضیه فرعی چهارم با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها در همه گروه‌ها از آنالیز واریانس یک‌طرفه یا آزمون آنوا^۱ برای مقایسه میانگین‌ها استفاده شد که نتایج آن در جدول ۸ ارائه شده است. فرض صفر در این آزمون فرض برابری میانگین گروه‌ها است.

جدول ۸. نتایج آزمون آنوا

مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
بین گروه	۳	۰/۰۲۱	۰/۰۴۴	۰/۹۸۸
درون گروه	۸۹	۰/۴۸۴		
کل	۹۲	۴۳/۱۲۸		

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج آزمون آنوا سطح معناداری (۰/۹۸۸) بیشتر از ۰/۰۵ است در نتیجه فرض صفر تأیید می‌شود و فرضیه فرعی چهارم رد می‌شود، یعنی از لحاظ مرتبه علمی بین دیدگاه‌های دانشگاهیان در خصوص موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی تفاوت معناداری وجود ندارد و این نتیجه نشان می‌دهد که مرتبه علمی بر دیدگاه‌های دانشگاهیان در خصوص موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی تأثیر ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی ادراکات دانشگاهیان و شاغلان بازارهای مالی درباره موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش نشان می‌دهد که اکثریت پاسخ‌گویان موانع اجرای سیستم حاکمیت شرعی را در بازارهای مالی کشور با اهمیت منظور کرده‌اند. مقایسه میانگین پاسخ‌ها نیز نشان می‌دهد که نبود قوانین، استانداردها و رهنمودهای مشخص برای اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای

1. ANOVA

مالی، پایین بودن میزان پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه حاکمیت شرعی در سطح کشور در مقایسه با سایر کشورها، فقدان چارچوب واحد و جامع حاکمیت شرعی در سطح بین‌المللی، کمبود متخصصان مالی اسلامی برای استفاده از خدمات آن‌ها در کمیته فقهی و نبود همکاری مؤسسات مالی اسلامی به منظور اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی موانعی هستند که از دید پاسخ‌گویان اهمیت بیشتری را به خود اختصاص دادند. همچنین نتایج آزمون فرضیه‌های فرعی پژوهش نشانگر این است که میزان تحصیلات بر دیدگاه‌های پاسخ‌گویان در خصوص موانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی تأثیر دارد با این وجود سابقه کاری، وضعیت اشتغال پاسخ‌گویان و مرتبه علمی دانشگاهیان بر دیدگاه‌های پاسخ‌گویان تأثیرگذار نیست.

با توجه به نتایج پژوهش که فقدان قوانین، استانداردها و رهنمودهای مشخص برای اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در بازارهای مالی مهم‌ترین مانع اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی از دید اکثریت پاسخ‌گویان ارزیابی شد، بایستی اقدامات لازم برای قانونمند کردن رویه‌های حاکمیت شرعی توسط سازمان بورس اوراق بهادار و بانک مرکزی با کمک کمیته فقهی سازمان بورس و شورای فقهی بانک مرکزی در سطح بازارهای مالی صورت گیرد. با توجه به طولانی بودن فرایند تصویب قوانین، نهادهای ذی‌ربط می‌توانند با تدوین دستورالعمل‌های لازم و در نظر گرفتن مشوق‌های مناسب از جمله اجرای نظام رتبه‌بندی در بازارهای مالی برای تعیین میزان به کارگیری رویه‌های حاکمیت شرعی و گزارش نتایج آن به عموم مردم، مؤسسات مالی اسلامی را به اجرای داوطلبانه رویه‌های حاکمیت شرعی تشویق کرده و با استفاده از بازخورد اجرای رویه‌ها در سطح محدود تلاش کنند تدابیر نهایی را در سطح وسیع‌تری بگیرند. با توجه به اهمیت استانداردها و رهنمودهای حاکمیتی بین‌المللی برای تدوین چارچوب حاکمیت شرعی، پذیرش استانداردها و رهنمودهای حاکمیتی سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی (AAOIFI) و هیئت خدمات مالی اسلامی (IFSB) بایستی در دستور کار نهادهای ذی‌ربط قرار گیرد.

از آنجا که اهمیت کمیته فقهی در سیستم حاکمیت شرعی در مقایسه با سایر عوامل بیشتر است بایستی سازوکارهای تشکیل آن با دقت بیشتری مورد ارزیابی قرار گیرد. مؤسسات مالی اسلامی جهت تشکیل کمیته فقهی نیازمند فقهایی هستند که در اجرای وظیفه خود با قوانین اسلامی آشنا بوده و تخصص مالی لازم را داشته باشند. در عمل، در کشور ما تعداد فقهایی که در هر دو رشته دارای مهارت باشند، کم است، برای چیرگی بر این مشکل همکاری حوزه،

دانشگاه و مؤسسات مالی اسلامی دارای اهمیت است تا فارغ التحصیلان دانش کافی را در مراکز آموزشی کسب کرده و پس از گذراندن دوره‌های کارآموزی لازم در این مؤسسات و آشنایی با فرایند ارائه محصولات و خدمات، تخصص لازم را برای حضور در کمیته فقهی مؤسسه موردنظر بدست آورند.

تشکیل کارگروه‌های تخصصی پژوهشهای اسلامی در مؤسسات مالی اسلامی و آموزش مدیران و کارکنان مؤسسات برای شناسایی مسائل شرعی کسب و کار مؤسسه و صنعت مهم است و از این طریق امکان تدوین چارچوب حاکمیت شرعی نیز در سطح مؤسسات مالی اسلامی فراهم می‌شود. برگزاری سمینارهای بین‌المللی سالانه برای هم‌اندیشی خبرگان مالی اسلامی و بهره‌گیری از تجارب سایر کشورها در زمینه اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی در صنعت مالی اسلامی کشور می‌تواند مؤثر باشد. با توجه به کم بودن پژوهشهای موجود در حوزه حاکمیت شرعی تشکیل هسته تحقیقات اسلامی در رشته‌های حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی جهت سوق دادن بخشی از پژوهشهای دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی به مسائل نیازمند پژوهش در صنعت مالی اسلامی نیز راه کار مناسبی برای شکوفایی این صنعت است. با توجه به اینکه به‌ویژه در رشته حسابداری ردپای مباحث اسلامی به‌طور چشمگیر کم‌رنگ است و هنوز گرایش حسابداری اسلامی در مقطع تحصیلات تکمیلی وجود ندارد، لازم است ارائه دروس مالی اسلامی در برنامه درسی دانشگاه‌ها بیشتر مورد توجه سیاست‌گذاران تدوین برنامه درسی رشته حسابداری قرار گیرد.

به پژوهش‌گران علاقه‌مند به حوزه حاکمیت شرعی نیز پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی را در زمینه بررسی استانداردها و قوانین لازم‌الاجرا برای اجرای رویه‌های حاکمیت شرعی، طراحی چارچوب حاکمیت شرعی در بازارهای مالی کشور و نیازسنجی آموزشی فقهای کمیته فقهی انجام دهند. لازم به یادآوری است که انجام پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی مواجه بود، با توجه به اینکه برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه استفاده شد، نارسایی پرسش‌نامه، محدودیت عمده این پژوهش است. به‌علاوه جدید بودن موضوع در پژوهشهای حسابداری نیز سبب شده بود تا برخی از مشارکت‌کنندگان از پاسخ دادن به پرسش‌های پژوهش دوری کنند.

منابع

- احمدی، سید علی اکبر و صالحی، علی. (۱۳۹۲). روش تحقیق در مدیریت. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- روحانی، سید علی و بنی طباطبائی، سید مهدی. (۱۳۹۶). پیامدهای نبود نظارت شرعی بر نظام بانکی ایران، دلالت‌های سیاستی. *اقتصاد اسلامی*، ۱۷ (۶۸)، ۸۷-۱۱۷.
- کریمی، رامین. (۱۳۹۴). راهنمای آسان تحلیل آماری با SPSS. تهران: انتشارات هنگام، ۱۳۹۴.
- قنوتی، جلیل، صادقی، محمد و فتاحی، علیرضا. (۱۳۹۹). تأملی بر مرتبه حقوقی حاکمیت شریعت و تولیت آن در بازار سرمایه. *بورس اوراق بهادار*، ۱۳ (۴۹)، ۲۳-۴۶.
- موسویان، سید عباس، میسمی، حسین، محمد زاده، محسن و خوانساری، رسول. (۱۳۹۱). حاکمیت شرعی در بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی انگلستان و مقایسه آن با ایران. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۱ (۲)، ۸۹-۱۱۴.
- موسویان، سید عباس و میسمی، حسین. (۱۳۹۲). الگوی نظارت شرعی بر بانک‌های کشور بر اساس دیدگاه خبرگان بانکداری اسلامی. *پژوهش‌های پولی بانکی*، ۶ (۱۸)، ۵۹-۹۰.
- موسویان، سید عباس و میسمی، حسین. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی نظارت شرعی در نظام بانکی ایران و ارائه اصلاح‌های قانونی. *اقتصاد اسلامی*، ۱۴ (۵۴)، ۱۰۱-۱۲۹.
- مؤمنی، منصور و فعال قیومی، علی. (۱۳۸۹). تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS. تهران: انتشارات منصور مؤمنی.
- Abd Aziz, H. (2017). The Application of Shura in Shariah Compliant Companies; A Case Study of Awqaf Holdings Bhd. *World Applied Sciences Journal*.
- Abd Razak, A. H. (2017). Centralisation of Corporate Governance Framework for Islamic Financial Institutions: Is it a Worthy Cause? *International Journal of Islamic Finance*, 10(1), 36-51.
- Abdullah, M. F., & Rahman, A. (2017). Shari'ah Governance of Islamic Banks in Bangladesh Issues and Challenges. *Journal of Islamic Economics, Banking and Finance*, 13(3), 82-94.
- Abidin, N. H. Z., Yasin, F. M., & Abidin, A. Z. (2020). Independence from the Perspective of the Shari'ah Committee. *Asian Journal of Accounting Research*.
- Ahmadi, Seyyed Ali Akbar and Salehi, Ali. (2014). research method in management. Tehran: Payame Noor University Press. (In Persian).
- Ahmed, H. (2011). Shariah Governance Regimes for Islamic Finance: Types and Appraisal, *Economia Internazionale/International Economics*, 64(4), 393-412.
- Alam, K., Rahman, S. A., Thakur, O. A., Bashir, A., & Hosen, S. (2020). The reasons behind the absence of a comprehensive Shariah Governance Framework of Islamic banks in Bangladesh. *International Journal of Economics and Business Administration*, 8(1), 134-145.
- AlQassar, A. B., & Ahmed, H. (2021). Regulatory Regimes for Shari'ah Governance: A Framework of Assessment and Analysis. *Journal of Banking Regulation*, 1-16.
- Alwosabi, M. (n.d.). Regulatory Issues of Islamic Banking and Finance, Bank 411.
- Azid, T., & Alnodel, A. A. (2019). Determinants of Shariah Governance Disclosure in Financial Institutions. *International Journal of Ethics and Systems*.
- Choudhury, M.A. & Hoque, M. Z. (2004). *An Advanced Exposition of Islamic Economics and Finance*, Edward Mellen Press, New York, NY.
- Darus, F., Yusoff, H., Yatim, N., Ramli, A., & Zain, M. M. (2015). An Islamic CSR Framework: Perception from Practitioners, Academicians and the General Public. *Procedia Economics and Finance*, 31, 495-502.

- Farook, S., & Farooq, M. O. (2013). Shariah Governance, Expertise and Profession: Educational Challenges in Islamic Finance. *ISRA International Journal of Islamic Finance*, 5(1), 137-160.
- Ginena, K. (2014). Shariah Risk and Corporate Governance of Islamic banks. *Corporate Governance*, 14(1), 86 -103.
- Grassa, R. (2013). Shariah Supervisory System in Islamic Financial Institutions New Issues and Challenges: A Comparative Analysis between Southeast Asia models and GCC Models. *Humanomics*, 29(4), 333-348.
- Hafeez, M. M. (2013). An Analysis of Corporate Governance in Islamic and Western Perspectives. *International Journal of Business, Economics and Law*, 2(3), 98-103.
- Hasan, Z. (2009). Corporate Governance: Western and Islamic Perspectives. *International Review of Business Research Papers*, 5(1), 277-293.
- Hasan, Z. (2011). A Survey on Shariah Governance Practices in Malaysia, GCC Countries and the UK. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 4(1), 30-51.
- Hasan, Z. (2011). Shariah Governance in Islamic Financial Institutions in Malaysia, GCC Countries and UK Countries (Doctoral dissertation, Durham University).
- Hassan, M. K., & Lewis, M. K. (2014). *Handbook on Islam and Economic Life*. Edward Elgar Publishing.
- Iqbal, Z., & Mirakhor, A. (2004). Stakeholders Model of Governance in Islamic Economic System. *Islamic Economic Studies*, 11(2), 43-63.
- Kantakji, M. H., Zada, N., Alaeddin, O., & Zainudin. Z. (2018). Are Current Shariah Governance Systems Efficient? *International Journal of Engineering & Technology*, 7 (4.29), 154-156.
- Karimi, Ramin. (2016). Easy statistical analysis guide with SPSS. Tehran: Hengam Publications, 2015. (In Persian).
- Kasim, N., NuHtay, S. N. & Salman, S. A. (2013). Comparative Analysis on AAOIFI, IFSB and BNM Shariah Governance Guidelines. *International Journal of Business and Social Science*, 4(15), 220-227.
- Magalhaes, R. & Al-Saad, S. (2013). Corporate Governance in Islamic Financial Institutions: The Issues Surrounding Unrestricted Investment Account Holders. *Corporate Governance*, 13(1), 39-57.
- Malkawi, B. H. (2013). Shariah Board in the Governance Structure of Islamic Financial Institutions. *The American Journal of Comparative Law*, 61(3), 539-578.
- Mohiuddin, M. D. G., Ahmed, M, D. A., & Islam, M. M. (2016). Decision Making Style in Islam: A Study of Superiority of Shura (Participative Management) and Examples from Early Era of Islam. *European Journal of Business and Management*, 8(4), 79-88.
- Mo'meni, Mansour and activist Qayyumi, Ali. (2010). SPSS. Tehran: Mansour Momeni Publishing. (In Persian).
- Mousavian, Seyed Abbas and Misemi, Hossein. (2014). the model of sharia supervision over the country's banks based on the views of ASL banking experts. *Monetary Banking Research*, 6 (18), 59-90. (In Persian).

- Mousavian, Seyed Abbas and Misemi, Hussein. (2014). the pathology of sharia supervision in the Iranian banking system and the introduction of legal amendments. *Islamic Economics*, 14 (54), 101-129. (In Persian).
- Mousavian, Seyed Abbas, Misemi, Hossein, Mohammadzadeh, Mohsen and Khansari, Rasoul. (2013). Shari'a Sovereignty in the Islamic Banks and Financial Institutions of England and Its Comparison *Islamic Financial Research*, 1 (2), 89-114. (In Persian).
- Muneeza, A., & Hassan, R. (2011). Legal Obstacles in Shari'ah Corporate Governance of Islamic Financial Institutions in Malaysia. *Journal of King Abdulaziz University: Islamic Economics*, 24(2), 177-180.
- Muneeza, A., & Hassan, R. (2014). Shariah Corporate Governance: The Need for a Special Governance Code. *Corporate Governance*, 14(1), 120-129.
- Noreen, S., Majeed, M.T., & Zainab, A. (2016). Corporate Governance at Islamic Financial Institution in Pakistan. *International Journal of Economics and Empirical Research*, 4(11), 582-589.
- Qanavati, Jalil, Sadeghi, Mohammad and Fattahi, Alireza. (2020). A reflection on the legal status of Sharia rule and its guardianship in the capital market. *Stock Exchange*, 13 (49), 23-46. (In Persian).
- Qureshi, A., & Qurashi, M. (2013). Islamic Corporate Governance practices in Pakistan. *Journal of Research in Business and Management*, 1(3), 1-15.
- Rouhani, Seyyed Ali and Bani Taba, Seyyed Mehdi. (2018). Consequences of the lack of sharia supervision over the Iranian banking system, political implications. *Islamic Economics*, 17 (68), 87-117. (In Persian).
- Sulphey, M. M. (2015). Corporate Governance in Islam VIS-A-VIS the Modern Corporate World. *Malaysian Accounting Review*, 14(1), 81-97.
- Wardhany, N., & Arshad, S. (2012). The Role of Shariah Board in Islamic Banks: A Case Study of Malaysia, Indonesia, and Brunei Darussalam. *In 2nd ISRA Colloquium*.
- Zain, N. R. B. M., Zulkamain, I. F. B., & Hassan, R. (2015). Shariah Corporate Governance Structure of Malaysian Islamic Banking and Finance: the Traces of Shura. *Journal of Islamic Banking and Finance*, 3(1), 26-34.
- Zain, S. N. M. D., & Shafii, Z. (2018). The Impact of Shariah Governance to Financial and Non-Financial Performance in Islamic Financial Institutions (IFIs): A Literature Suurvey. *International Journal of Islamic Business*, 3(2), 27-40.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC 4.0 license.